

چهره‌ها

Chehreh Nama

تابستان 3754 زرتشتی 1395 خورشیدی

نشریه مرکز زرتشتیان کالیفرنیا
سال سی و چهارم شماره 178

English

Persian

استاد ایراهیم بیورداوود



برای هم‌آموزی بیشتر بین گروه مدیران و هم‌نندگان مرکز زرتشتیان کالیفرنیا بخشی را به گفتار و سخن گروه مدیران اختصاص داده ایم تا آنها بتوانند از این طریق پیام و یا چاره‌اندیشی‌های خود را عرضه نمایند و هم‌نندگان هم بتوانند خواسته و پیشنهاد‌های خود را در راستای گروه مدیران ابراز نمایند.

هم‌نندگان ، هم‌کیشان و دوستان گرامی

همانگونه که به آگاهی هم‌نندگان رسیده است بزودی دوره ۱۹ گروه مدیران به پایان میرسد و گزینش مدیران دوره بیستم در پیش است ، مدیرانی مسئول و آگاه که بتوانند با برنامه‌های نو و پیش‌برنده باعث پیشبرد و هم‌بستگی هم‌کیشان گردند. با در نظر گرفتن فزونی روز به روز جماعت ، نیاز به سرپرستانی آگاه و مسئول برای سرپرستی امور مرکز و همه‌بسته‌نگهداشتن هم‌نندگان مرکز و جامعه میباشد. هم‌نندانی که وقت کافی و برنامه‌های سازنده برای مرکز دارند میبایست کاندید این کار مهم شوند. شرکت در این کار مهم مایه سربلندی جامعه و هم‌نندگان میباشد. بدین وسیله از هم‌نندگان دعوت می‌نمایم تا در این امر مهم یاری رسان باشند.

هم‌آموز بیم هم‌آموزر هما اشوبیم

گروه مدیران مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

پروردگارا! در پرتو فروغ مینوی به ما چه خواهی بخشید؟ آن سعادت‌ی که در پرتو راستی و پاکی به دست می‌آید و به همه نوید داده شده کدام است؟ در مورد دانایان چه فرمانی رفته است؟ ای خداوند خرد مرا از تمام این حقایق آگاه ساز و با گفتار الهام بخش خود مرا روشن نما تا همه ی کردم را به آیین راستی ارشاد کنم. هات ۳۱ بند ۳

ای خداوند جان و خرد هنگامی که در اندیشه ی خود، تو را سرآغاز و سرانجام هستی شناختم آن گاه با دیده ی دل دریافتم که تویی سرچشمه ی منش پاک ، که تویی آفریننده ی راستی و داور دادگری که کردار و مردمان جهان را داوری می کنی.

هات ۳۱ بند ۸



برگیری از نوشته‌های چهره نما با چاپ نام نویسنده و نشانی تارنما آزاد می‌باشد.
چهره نما در گزینش و ویرایش نوشته‌های رسیده آزاد است و نوشتارهای رسیده باز گردانده نمی‌شود.
دیدگاه‌های بازتاب شده در نوشته‌ها همیشه گویای دیدگاه‌های انجمن دبیران چهره نما نمی‌باشد.
چهره نمای مرکز زرتشتیان کالیفرنیا ، نشریه ایست دینی ، اجتماعی ، تاریخی ، ادبی و فرهنگی که به هیچ دسته و گروه سیاسی بستگی ندارد.

Trust of Morvarid Guiv
1037 S. Bedford St. #3
Los Angeles, CA 90035 Tell : (809)889-9795

زیر نگر گروه دبیران
گرافیک ، رایانه و صفحه آرا : کیخسرو یکتاهی
تایپ : پروین رستمیان
اینترنت : رامین شهریاری

به نام آن که هستی آفرید

آیا فردا خیلی دیر است یا خیلی دور است؟

به نظر من فردا خیلی دیر است و نه تنها دور نیست بلکه در همین نزدیکی ها است.

حال چه باید کرد تا خیلی دیر نشده، ما بهدینان که پیرو آیین نخستین آموزگار اخلاق بشریت در تاریخ هستیم و از گفتار اندیشه برانگیز و اهورایی زرتشت پاک بهره می گیریم، پس چه پیش آمد و یاران را چه شد؟ که آنچنان که بایسته و شایسته این آیین اهورایی زرتشتی میباشد نیستیم.

چه نیکو و زیبا بود که از اندیشه تابناک شت زرتشت و کردار نیک کورش مهربان و گفتار والا و ارزنده فردوسی فرزانه بهره می جستیم و آنها را چراغی فراارمان قرار می دادیم؟ شاید باید راه و شیوه ای دگر جست که بر اساس و پایه آنچه در بالا رفت باشد تا با پیروی و به کارگیری از آنها به کمال و رسایی نایل آییم و فردایی بهتر از امروز و امروز برتر از دیروز داشته باشیم.

جامعه باید اساس کار را در نهادینه کردن این چهار نگر پی ریزی کند که عبارت است از:

هدف (Mission)، بینش و بصیرت (Vision)، اصل بنیادی (Principle) و نظم و هماهنگی (Discipline) و در این پیوند چهار نکته دیگر را باید در نظر گرفت و آنها عبارتند از چگونه؟ (How)، چرا؟ (Why)، چه موقع؟ (When) و کجا؟ (Where)

بدون شک با انجام و پیگیری و پشتکار در رابطه با گفته های فوق الذکر در فردایی نه چندان دور شادی و نشاط و پیشرفت و سربلندی و سرفرازی و نیک فرجامی از آن ما خواهد بود. چشم ها را باید شست جور دیگری باید دید

دکتر جمشید بلندیان

آهنگساز زرتشتی پرکندهی مسابقه جهانی آهنگسازی کلاسیک

برداشت از سایت امرداد

مدرک کارشناسی ارشد آهنگسازی خود را با رتبه ی نخست از دانشگاه هنر تهران دریافت کرد. او جوایز بین المللی و داخلی دیگری همچون Orient/Occident (لویو، اوکراین 2015)، ConTempora (اسکوپیه، مقدونیه 2015)، Charlotte New Music Festival (کارولینا شمالی، آمریکا 2015)، IMHM (لندن، انگلیس 2014)، ACIMC (پاریس، فرانسه 2014) و مسابقه ی خانه موسیقی (تهران، 2013 و 2015) را نیز در کارنامه ی خود دارد.

ارکستر فیلارمونیک برنو دارای پیشینه ی تاریخی برجسته در دنیای موسیقی کلاسیک است که در سال 1870 میلادی و با پشتیبانی و توجه بسیار آهنگساز بزرگ Leoš Janáček پایه گذاری شد. این ارکستر از جنبه های بسیاری همچون رنگ، موزیکالیتته و شناخت دقیق موسیقی کلاسیک در سراسر جهان شناخته شده است. رهبری این اثر بر عهده ی مایکل تامز، تحصیل کرده ی موسیقی از دانشگاه آکسفورد است. همچنین با توجه به اهمیت و دشواری ضبط و صدابرداری آثار ارکسترال، صدابرداری این اثر توسط یکی از سرشناس ترین صدابداران دنیا انجام می شود که وی موفق به دریافت چهار جایزه ی Grammy برای ضبط و صدابرداری آثار کلاسیک شده است.



رامین اخوی جو، آهنگساز زرتشتی برنده ی مسابقه ی جهانی آهنگسازی کلاسیک شد. این مسابقه که از سوی کمپانی بزرگ موسیقی کلاسیک Ablaze Records انجام شد، نام این آهنگساز ایرانی را همراه با هفت آهنگساز از کشورهای دیگر به عنوان برنده اعلام کرد. این مسابقه به صورت تخصصی برای قطعه ارکستر سمفونی و به صورت جهانی برگزار شد که قطعه ی مدرن «واسنا» اثر رامین اخوی جو توانست این جایگاه جهانی را به دست آورد. واسنا (واژه ی اوستایی، به معنای همه جا) قطعه ی ارکسترال موومان سمفونیک است که در سال 2015 میلادی توسط این آهنگساز ایرانی ساخته شده است. این اثر همراه با دیگر آثار آهنگسازان برنده از سوی ارکستر فیلارمونیک برنو جمهوری چک، به رهبری مایکل تامز در اواخر اردیبهشت ماه ضبط خواهد شد و از سوی کمپانی های بزرگ و معروف Naxos of America, Albany music, Amazon, SuperD one-Stop iTunes، در بهار 2017 میلادی به صورت جهانی در بیش از صد کشور پخش خواهد شد.

رامین اخوی جو، زاده ی 1365 خورشیدی،

نگاهی به زندگی استاد ابراهیم پورداوود دل نثر ایرانی یک آتشکده است

سال‌ها تلاش کرد تا گذشته‌ی گم شده‌ی ایرانیان را بازآفرینی کند، سختی‌ها کشید و حرف‌ها شنید اما پا پس نکشید. زمانی که دانشجوی هندی از او می‌پرسد کدام آتشکده در ایران قابل بازدید است می‌گوید: «دل هر ایرانی یک آتشکده است.» زندگی در کشور ۷۲ ملت هند را تاب آورد تا روایت‌گر پیشینه‌ی زرتشتیانی باشد که هم‌چنان پس از سال‌ها یاد او را گرمی می‌دارند؛ آری سخن از ابراهیم پورداوود است.

بهمن‌ماه ۱۲۶۴ در رشت دیده به جهان گشود. بر خلاف بسیاری از درس‌خوانده‌های قدیم در خانواده‌ای با توان مالی خوب پرورش یافت. یادگیری زبان‌های فارسی و عربی را در همان رشت به پایان رساند و پس از آن به جرگه‌ی طلبه‌ها پیوست؛ می‌گویند هم دوره‌ای او در حوزه‌ی علمیه میرزا کوچک خان، مبارز سیاسی بوده است. بعدها در گفت‌وگویی، حضور در دوره‌های طلبگی را کاری بی‌هوده در جوانی می‌داند. در کنار طلبگی مرثیه‌سرایی هم می‌کرد، آن‌قدر توانمند بود که لقب «لسان» را به دست آورد. پس از مدتی به بهانه‌ی خواندن پزشکی راهی تهران شد اما دستاوردی نداشت، ابراهیم پورداوود را برای کاری دیگر ساخته بودند.

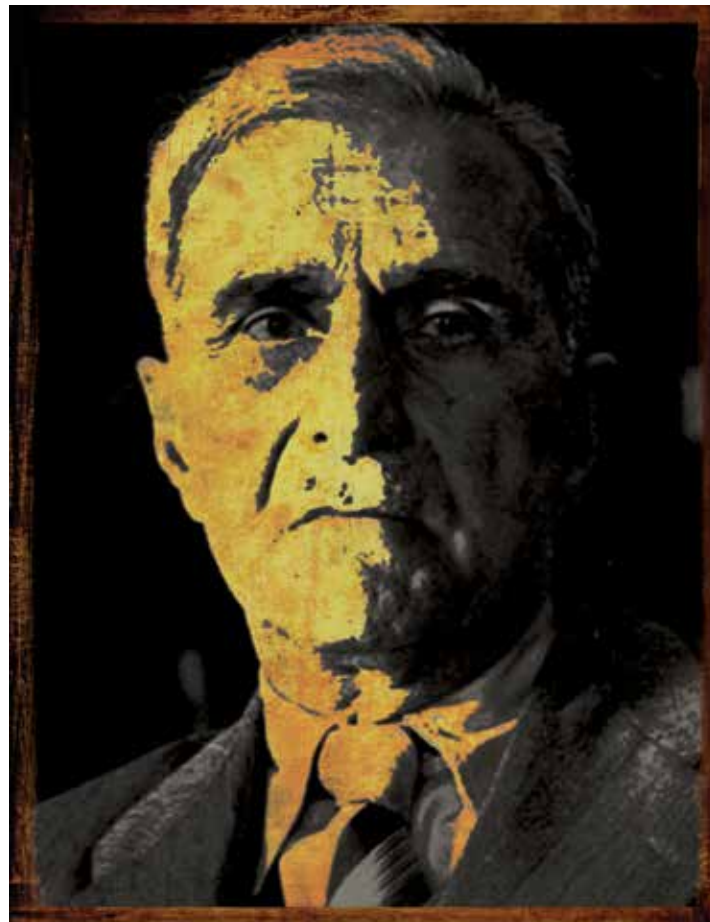
پس از چندی مسافرت‌های او آغاز شد؛ از قم، اراک و کرمانشاه گذر کرد و پس از مدتی از بغداد به بیروت و پاریس رسید. در بیروت بود که نام خانوادگی را از «داوودزادگان» به «پورداوود» تغییر داد و به جای مرثیه‌سرایی روی به سرودن اشعار مین‌پرستانه آورد. رهاورد سفر او به بیروت آشنایی با «محمدعلی جمالزاده» پدر داستان‌نویسی نوین بود که پس از مدتی با همکاری یکدیگر روزنامه‌ی «رستاخیز» را منتشر کردند.

پورداوود تحصیلات خود را در رشته‌ی حقوق در دانشگاه پاریس به پایان رساند و در این هنگام بود که بین سال‌های

۱۳۰۱ تا ۱۳۰۶ با همکاری «محمد قزوینی» نشریه‌ی «ایران‌شهر» را منتشر ساخت. نشریه‌ای که به توصیف ایران پیش از اسلام می‌پرداخت.

بسیاری نقطه‌ی عطف زندگی ابراهیم پورداوود را دیدار او از خرابه‌های «بیستون» و کاخ تیسفون می‌دانند که در راه سفر به بیروت رخ داد. این آشنایی تأثیر شگرفی در اندیشه‌های استاد می‌گذارد تا جایی که تصمیم می‌گیرد زندگی خود را صرف معرفی گذشته‌ی ایرانیان پیش از اسلام کند.

برای ادامه‌ی تحصیل در رشته‌ی حقوق رهسپار آلمان می‌شود، آشنایی او با «حسن تقی‌زاده» در آلمان و هم‌چنین خاورشناس آلمانی «یوزف مارکوآرت» او را بیش از پیش شیفته‌ی پژوهش درباره‌ی ایران باستان می‌کند. پس از اقامت در آلمان



پورداوود پژوهش در گاهان زرتشت و بخش‌های پنج گانه اوستای پسین، کهن‌ترین نوشته‌ی ایرانیان را هدف اصلی خود قرار می‌دهد.

سفر او به هند در سال ۱۳۰۴ با دعوت «دین‌شاه ایرانی» رئیس انجمن زرتشتیان ایرانی-بمبئی انجام می‌شود و یکی از اتفاقات مهم در زندگی این استاد تاریخ ایران باستان است. او در این سفر که بیش از دو سال به طول انجامید، به انتشار بخشی از ادبیات مزدیسنا و گزارش اوستا و هم‌چنین سخنرانی درباره‌ی دین مزدیسنا پرداخت که در کتابی با نام «خرمشاه» منتشر شده است. او در سخنرانی‌های خود به موضوعاتی مانند «آتش‌بهرام»، رهبران دین مزدیسنا، دروغ و ایران قدیم و نو اشاره می‌کند.

جایگاه ارزشمند استاد پورداوود میان پارسیان هند را زمانی می‌توان دریافت که وی را برای شرکت در مراسم «یزشن» دعوت می‌کنند. تنها زرتشتیان می‌توانند در این مراسم شرکت کنند و پیش از این تنها سه اروپایی غیر زرتشتی در این مراسم شرکت کرده بودند. بازگشت او به آلمان همراه با انتشار گزارش‌هایی درباره‌ی «یشت‌ها»، «خرده‌اوستا» و «یسنا» بود.

نزدیک به یک سال به دعوت «تاگور» شاعر نامور هندی در هند به تدریس فرهنگ ایران باستان پرداخت و اشعار او را از بنگالی به فارسی ترجمه کرد.

برجسته‌ترین اثر ابراهیم پورداوود «ترجمه و گزارش اوستا» است که در آن وی با زبانی روان و به دور به کار بردن اصطلاحات دشوار و کلمات نامفهوم، ترجمه‌ای دقیق از اوستا ارائه می‌دهد. این کار بزرگ نزدیک به ۴۰ سال از زندگی پورداوود را به خود مشغول می‌کند. ویژگی برجسته‌ی کار پورداوود نوشتن پیش‌درآمد برای هر یک از بخش‌های اوستا است که توضیحات مفیدی را ارائه می‌دهد.

استاد ابراهیم پورداوود توانست در مدت ۸۲ سال زندگی خود تمامی کتاب‌های با ارزش مربوط به دین زرتشتی از جمله «گات‌ها»، «یشت‌ها»، «یسنا»، «ویسپرد» و «وندیداد» را به فارسی ترجمه کند، کتاب‌هایی که پیش از این زرتشتیان ایرانی از معنای آن‌ها آگاهی چندانی نداشتند و با برگردان‌های پورداوود دریچه‌ای تازه به روی آن‌ها گشوده شد. در این میان ترجمه‌ی وندیداد از گزند دشمنان تاریخ ایران در امان نمانده است و در آن دست برده شده است.

پورداوود افتخار دریافت نشان اول دانش از وزیر وقت فرهنگ را به پاس زحمات علمی خود دارد. او هم‌چنین به پاس خدمات انسان دوستانه‌اش، از دربار واتیکان به دریافت نشان علمی به عنوان شوالیه سن سیلوستر مفتخر گردید.

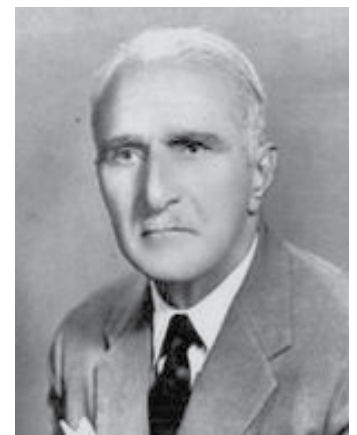
زرتشتیان ایران به پاس تلاش‌های بی‌شمار این استاد گران‌قدر مدرسه‌ای را با کمک موقوفه‌ی «رستم گیو»، به نام او در تهران بنا کرده‌اند تا یادبودی باشد برای ارج نهادن به تلاش‌های پژوهش‌گران فرهنگ ایرانی.

زندگی پر فراز و نشیب و همراه با افتخار ابراهیم پورداوود، در آبان ماه سال ۱۳۴۷ به پایان می‌رسد و او در آرامگاه خانوادگی خود به خاک سپرده می‌شود، آرامگاهی که زمانی درباره‌ی آن گفته بود: «من هم پس از سال‌های درازی در آنجا آرام خواهم گرفت، آن چنان که از آنجا ناآموخته بیرون آمدم، ناآموخته به آنجا باز خواهم گشت.»

کارگردان ایرانی با بودجه شخصی به دنبال ساخت فیلم مستندی درباره‌ی دانشمند و اوستاشناس بزرگ است: زندگی استاد ابراهیم پورداوود فیلم می‌شود

اشکان خسروپور

فاطمه مشهدی باقر، یکی از کارگردانان ایرانی است که مدتی است با بودجه‌ی شخصی به دنبال ساختن یک فیلم مستند مفصل درباره‌ی زندگی استاد ابراهیم پورداوود است. «مشهدی باقر» که با بودجه‌ی شخصی این پروژه‌ی



مستندسازی را آغاز کرده و آن را در ایران به پیش می‌برد، به دنبال بیرون کشیدن بخش‌های خاص و دیده نشده‌ای از زندگی استاد اوستاشناس ایرانی است. او در این فیلم سراغ افراد و اسنادی رفته که بخش‌های دیگری از زندگی استاد ابراهیم پورداوود را به نمایش می‌گذارد.

فاطمه مشهدی باقر در این گفت‌وگوی اختصاصی با «چهره‌نما» درباره پروژه‌ی مستند «پورداوود» سخن می‌گوید.

از میان سوژه‌های مختلفی که برای کار مستند و زندگی‌نامه وجود دارد، شما چرا سراغ استاد ابراهیم پورداوود رفته‌اید؟ چه ویژگی در ایشان بود که ساخت فیلم مستند درباره ایشان را نسبت به دانشمندان دیگر در الویت گذاشتید؟

استاد ابراهیم پورداوود از بزرگان مفاخر ایران زمین هستند و بی‌هیچ تردیدی می‌توان ادعا کرد خاستگاه باورها و ارزش‌های ایران که بر اثر گذشت قرن‌ها و یورش‌ها مدفون شده بود توسط پورداوود دوباره زایی شد. مادر اثر ادبی ایران زمین در تطاول و تجاوز اهریمنان گم شده و بعد از سالیان نیز فراموش شده بود. اوستا، مادر ادبیات دیار ما با پورداوود بازیافته می‌شود.

ما تولید آثار ادبی فاخر در ادوار و زمان‌ها داشته و داریم اما همه اینها بی‌پشتوانه‌ی کتاب مادر بوده است. تولید آثار ادبی تا پیش از توجه به کتاب مادر، با انگاشت آن در سینه و حافظه‌ی جمعی قومی مان شکل می‌گرفته است. ادبیات و آثار ادبی ارزش‌هایی هستند که بیان‌گر باورها و چگونگی شیوه‌ی زیست ملی و قومی است. این متون ادبی بدون سرچشمه و مرکز اصلی، پایگاه محکم خود را ندارند. ما نیز بدون این که متوجه باشیم این سرچشمه و بنیاد کجاست و چه می‌گوید، با همان باورها، به مناسبات و مراسم می‌پرداختیم. اگر خاستگاه این مفاهیم و ارزش‌ها واکاوی نشوند و دانش پردازش در این مناسبات نباشد، ارزش‌ها به تحریف و کژی و مرگ خواهد رسید. ما با نداشتن آگاهی از این مقوله، امکان از دست دادن این ارزش‌ها را داشتیم. شاهنامه در فقدان اوستا کتاب ارزشمندی است که باعث شد ما همچنان ارزش‌هایمان را پاس بداریم و از فراموشی و از بین رفتن میراث گذشتگان در امان باشیم. اگر آگاهی از بنیادها و سرچشمه‌ها نباشد به طور حتم تمام ارزش‌ها دستخوش تاراج خواهد شد و از بین خواهد رفت یا به یغما، از آن دیگر سرزمین‌ها خواهد شد. شوربختانه این رویداد ناگوار را ما در حافظه‌ی جمعی مان داریم. از این جهت هنگامی که استاد پورداوود شهیر، عمر گران مایه را صرف اوستا، کهن ترین متن ماندگار از پیشینیان ما می‌کنند و به تفسیر آن می‌پردازند به نوعی آگاهی از مهمترین اعتبار زیستی این سرزمین را به ما به ارمغان می‌دهد. با ترجمه و تفسیر کهن ترین سند ادبی این سرزمین؛ اوستا، توسط پورداوود، مادر ادبی کشورمان را باز یافتیم. سرچشمه‌هایی از نشانه‌ها و مفاهیم که شاکله و ارزش‌های هنری و زیستی ما را شکل می‌دهد و ما از این سرمایه و از این مادر ادبی بی‌خبر بودیم

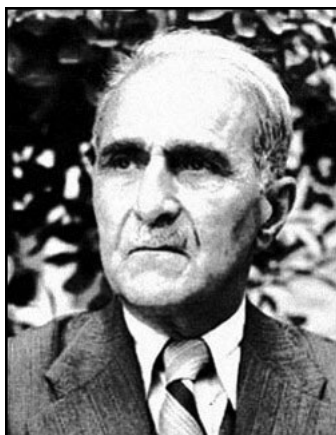
چه کسانی در پیشبرد پروژه‌ی این فیلم مستند نقش دارند؟ با توجه به این که شما از بودجه‌ی شخصی‌تان برای این فیلم هزینه می‌کنید، چه یاری‌های فکری می‌تواند به شما یاری برساند؟ عکس، فیلم یا هر سند خاصی هست که به آن نیاز داشته باشید؟

همراهان هم اندیش من در ساخت فیلم «پورداوود» دوستانی هستند که از مهجور بودن این مرد بزرگ در رنجند و با هر چه در توان دارند کمک خواهند کرد. دست اندرکاران می‌توانند همه هم میهنان باشند که دست نوشته، عکس یا سندی از این بزرگوار را برای جا دادن در روایت این ساخت به ما معرفی کنند. هزینه‌ی پروژه با کمک کسانی که او را دوست دارند، تامین شده ولی در طول این مدت هزینه‌ی ساخت «پورداوود» را شخصاً پرداخت کرده‌ام. به طور حتم مدارک برای ما بسیار ارزشمند خواهند بود. برای بودجه نیز ما نیازمند جبران قصور و کم کاری برای ثبت کارهای ارزشمند این بزرگوار هستیم. همیاری مراکزی که باید این دین را باید ادا کنند تا با حمایت مالی، این پروژه به ثمر برسد، می‌تواند بسیار کارگشا باشد. مراکزی که نگاه فرهنگی و هنری دارند یا مراکز تجاری که بن مایه‌های فرهنگی را از وظایفشان برای پشتیبانی میدانند، می‌توانند بسیار راهگشا باشند.

در فیلم مستند پورداوود با چه کسانی صحبت شده و چه اسناد خاصی

برای اولین بار به نمایش درآمده‌اند؟ اساتیدی که به نوعی یا شاگرد این بزرگوار بودند در دانشگاه‌های ایران و یا با ایشان هم کار بودند، در گفت‌وگو با من شرکت کردند. جناب آقای فرهنگ در صورت دسترسی با ما گفتگو خواهند کرد. جناب آقای خسرو مهر نیز از بزرگوارانی هستند که در این پروژه مشغول هستند. در ایالات متحده امریکا افراد نامداری هستند که می‌توانند در جهت شناخت شخصیت ستودنی استاد پورداوود به ما اطلاعاتی را بدهند. استاد محمد روشن از بزرگان و اساتید نامدار ادبیات که دانشجوی استاد پورداوود بودند به یاری مهر یزدان با ما همراه خواهند شد. در ضمن در تلاش هستیم با تنها فرزند و نوه‌های این بزرگوار گفتگویی درخور داشته باشیم

داستان فیلم روی کدام بخش از زندگی پورداوود تمرکز دارد؟ از آنجایی که «هامارتیا» یا نقطه ضعف ما، فراموش کردن جایگاه و منزلت بزرگانمان هست شاید با نگاه به این فراموشی تکرار شده‌ی خودمان این مرد بزرگ را به تصویر بکشیم.



فیلم مستند پورداوود چه زمانی اکران می‌شود؟ در صورت تشخیص بودن مخاطب، این برنامه به مراکز مسئول برای اکران پیشنهاد خواهد شد.

گزارشی از نمایشگاه «شعله جاودان» در دهلی نو

فرزانه گشتاسب

این جشنواره ارسال کرده‌اند که ترجمه انگلیسی آن در بخش افتتاحیه کنفرانس علمی در سوم فروردین خوانده شد

این برنامه با ابعادی بسیار کوچکتر از آنچه امروز در جریان است، در سال ۲۰۱۳ به پیشنهاد و ابتکار بنیاد پارزور و همکاری موزه ملی بریتانیا و دانشکده مطالعات مشرق‌زمین و آفریقا (SOAS) در لندن برگزار شد. در برگزاری هر دو نمایشگاه اساتید برجسته ایران‌شناسی همچون دکتر آلموت هینتسه، دکتر اورسلا سیمز ویلیامز و دکتر سارا استوارت از دانشکده مطالعات مشرق‌زمین و آفریقا، دکتر جنی رز از دانشگاه کلارمونت کالیفرنیا کمک رسانده‌اند و در کنفرانس دو روزه این جشنواره نیز با ارائه مقاله شرکت داشتند.



دوم با عنوان «تارهای پایداری: نمایشگاهی از زندگی و فرهنگ زرتشتیان» در مرکز ملی هنرهای «ایندرا گاندی» (Indira Gandhi National Center for the Arts) و نمایشگاه سوم در نمایشگاه ملی هنرهای مدرن (National Gallery of Modern Art) برگزار می‌شود.

اشیای این سه نمایشگاه از موزه‌های مختلف جهان مانند موزه بریتانیا، موزه آرمیتاژ و موزه ملی ایران به امانت گرفته شده است. بر خلاف نمایشگاه سال ۲۰۱۳ حضور زرتشتیان ایرانی در این نمایشگاه کاملاً احساس می‌شود و در بخش‌های مختلف نمایشگاه تصاویری از مشاهیر زرتشتی ایرانی، آداب و رسوم ایشان، شیوه زندگی و نیز اشیایی مانند لوازم کشتی‌بافی، لباس‌های سنتی، لوازم زندگی، دستوشته‌های اوستای ایرانی به نمایش گذاشته شده است. انجمن زرتشتیان تهران و خانه فرهنگ و هنر زرتشتیان در ارسال اشیایی برای این نمایشگاه همکاری داشته‌اند. برای حضور و ارائه فرهنگ زرتشتیان ایرانی در این نمایشگاه به ویژه مدیون موبد مهربان فیروزگری و دکتر داریوش اکبرزاده هستیم. در برنامه شب نوروز دکتر علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز حضور داشتند. همچنین دکتر مسعود سلطانی‌فر، معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری نیز پیامی برای

برنامه بین‌المللی «شعله جاودانی» جشنواره‌ای است که به ابتکار و همت بنیاد پارزور (Parzor Foundation) و با همراهی و کمک سازمان یونسکو، موزه ملی هند، موزه ایندرا گاندی، وزارت امور اقلیت‌ها در دولت هند و وزارت فرهنگ دولت هند؛ و با پشتیبانی بزرگان و خیراندیشان و پژوهشگران دین زرتشت از ۲۹ اسفند ۱۳۹۴ آغاز شده است و تا نهم خرداد ۱۳۹۵ ادامه خواهد داشت. موضوع این جشنواره معرفی و شناساندن فلسفه و فرهنگ زرتشتی از آغاز پیدایش تا دوره کنونی است؛ فرهنگی که بخشی از سنت زنده زرتشتیان کنونی هم در ایران و هم در هند است.

این جشنواره در بیش از دو ماه، شامل برنامه‌های مختلف و متنوعی مانند کنفرانس علمی، جشنواره فیلم، تاتر، نمایش عروسکی و موسیقی، کارگاه‌های مختلف مانند کارگاه کشتی‌بافی و گلدوزی‌های زرتشتی و نیز سخنرانی‌های فرهنگی و دینی گوناگون است. مهم‌ترین بخش این جشنواره، نمایشگاهی است که روایتگر داستان دین زرتشتی در آغاز و سپس گسترش آن در طی تاریخ و تداوم سنت آن تا امروز در نقاط مختلف جهان مانند ایران، هند، کشورهای اروپایی و غیره است. این نمایشگاه که به‌واقع بزرگ‌ترین تلاش برای معرفی دین و فرهنگ زرتشتی نام گرفته است در سه مرکز مهم در شهر دهلی نو به مدت بیش از دو ماه در معرض بازدید تمام مردم جهان خواهد بود.

بخشی از نمایشگاه با عنوان «شعله جاودان: دین زرتشتی در تاریخ و تصور» در موزه ملی هند (National Museum) برگزار می‌شود. نمایشگاه



گفت‌وگو با موبد مهربان

فیروزگری

موبد مهربان فیروزگری، روحانی پیشکسوت زرتشتی که در نمایشگاه «شعله جاودان» شرکت کرده، درباره ارتباط بیشتر زرتشتیان و پارسیان می‌گوید:

پارسیان ایران را کشور خود می‌دانند

خبرنگار چهره‌نما - آریا جوانمردی

موبد مهربان فیروزگری، زاده‌ی ۱۳۱۴ خورشیدی در ایران است که بخشی از زندگی خود را در هند گذرانده است. خود موبد فیروزگری دلیل این کار را مهاجرت پدرش می‌داند تا او بتواند آیین‌های دینی را فرا گیرد. موبد مهربان فیروزگری در سال ۱۳۶۶ خورشیدی نوزوت شده و به جمع موبدان پیوسته است. او هم اکنون مسن‌ترین عضو انجمن موبدان تهران است. حرفه‌ی اصلی وی کار در شرکت‌های بازرگانی بوده و در کنار آن به اجرای مراسم‌های دینی زرتشتیان نیز پرداخته است. مهربان فیروزگری به دلیل زندگی در هند و همچنین تسلط به زبان انگلیسی، رابطه‌ی نزدیکی با پارسیان هند دارد، از این رو یکی از هماهنگ‌کننده‌های ایرانی جشنواره‌ی «شعله‌ی جاودان» در هند بود.

این گفت‌وگوی اختصاصی موبد مهربان فیروزگری با «چهره‌نما» درباره دلایل حضور او در نمایشگاه «شعله‌های جاودان» و ویژگی‌های این نمایشگاه است. او از هم‌ازوری میان زرتشتیان ایرانی و غیرایرانی سخن به میان می‌آورد و تأکید دارد که پارسیان خواهان رابطه بیشتر با زرتشتیان ایران هستند. فیروزگری یکی از دلایلی که از او برای حضور در این جشنواره دعوت شده بود را این‌گونه دانست: «در حدود ۲۰ سال است که با بنیاد «پارزور» ارتباط دارم و یکی از مواردی که باعث رابطه‌ی کاری من شده بود، رایزنی‌ها درباره‌ی ثبت جهانی نوروز در یونسکو بود.»

این موبد زرتشتی جشنواره‌ی «شعله‌ی جاودان» را بسیار با سابقه می‌داند که نمایانگر تلاش‌های پارسیان در هند برای نگهداری دین زرتشتی و هم‌چنین

اتحاد آن‌هاست. امسال این جشنواره بخش ویژه‌ای را به زرتشتیان ایران اختصاص داده بودند تا اشیای تاریخی مربوط به زرتشتیان ایران را به نمایش بگذارند.

موبد فیروزگری استقبال از بخش ایرانی موزه را بسیار خوب می‌داند اما حضور ایرانیان در جشنواره را کم و فقط محدود به چند ایرانی که دعوت شده بودند می‌داند. او در این باره می‌گوید: «من و رستم خسرویانی، رییس انجمن زرتشتیان تهران گفت‌وگوهایی با پارسیان داشتیم و آن‌ها بسیار مایل بودند تا رابطه‌ها با زرتشتیان ایران گسترش دهند به همین دلیل قرار است هیاتی از پارسیان به ایران سفر کنند و نشست‌هایی داشته باشند. من در جمع پارسیان هند، شیوه‌ی برگزاری نوروز در میان ایرانیان و هم‌چنین فلسفه‌ی آن را توضیح دادم تا ریشه‌های باورهای مشترک را بهتر بشناسیم.»

فیروزگری دلیل وجود تفاوت‌ها میان زرتشتیان ایران و هند را زندگی در فرهنگ‌های گوناگون می‌داند، او می‌گوید: «پارسیان هند تحت تأثیر فرهنگ هند



هستند و زرتشتیان ایران نیز از اسلام تأثیر گرفته‌اند. ایرانیان زرتشتی فرهنگ قربانی و سوگ‌واری برای درگذشتگان را از اسلام گرفته‌اند. البته ناگفته نماند که زرتشتیان آیین سوگ‌واری ندارند اما باید به این باور برسیم که وقتی فردی چشم از جهان فروبست باید به زندگی خود برسیم و تلاش کنیم روان درگذشتگان را در بالا ببینیم نه در زیر خاک.»

مورد دیگری که موبد فیروزگری معتقد است باعث جدایی زرتشتیان ایران و



هند شده است، زبان است. «پارسیان هند به دلیل اینکه چندین نسل در هند زندگی کرده‌اند زبان فارسی را فراموش کرده‌اند، همان‌طور که می‌دانید هنگامی که ارتباط از بین برود همه چیز از دست رفته است. پارسیان ایران را کشور اصلی خود می‌دانند و خیلی برای آبادانی آن تلاش کرده‌اند و ما نیز در ایران دوست‌دار آن‌ها هستیم.»

موبد فیروزگری با اشاره به نقش پارسیان بزرگی مانند «مانکچی هاتریا» که تلاش بسیاری برای کمک به زرتشتیان در ایران کردند، می‌افزاید: «ما بسیار دوست داریم تا به گونه‌ای تلاش‌های آن‌ها ارج بنهیم.»

فیروزگری مهم‌ترین نزدیکی زرتشتیان ایران و هند را برقراری ارتباطات می‌داند. او می‌گوید: «کسانی به مانند من و چند تن دیگر که زبان انگلیسی می‌دانند، ارتباطات خیلی خوبی با پارسیان دارند، اما امیدی به گسترش بیشتر ارتباطات از سوی افراد دیگر را ندارم، زیرا از مهارت زبانی بالایی برخوردار نیستند. مهندسان و دکترهای ایرانی در کنگره‌های جهانی زرتشتیان توانایی سخنرانی به زبان انگلیسی را ندارند مگر گروهی که خارج رفته هستند.»

موبد فیروزگری برگزاری نمایشگاهی مانند «شعله‌ی جاودان» در ایران را کمی مشکل می‌داند، زیرا بودجه‌ی بسیار زیادی می‌خواهد و نیازمند کمک دولت است.

«پیشنهاد برگزاری نمایشگاه را در ایران مطرح کردیم اما از آن‌جایی که بنیاد «پارزور» بودجه‌ی زیادی ندارد نمی‌تواند در دیگر کشورهایی که زرتشتیان زندگی می‌کنند این نمایشگاه را برگزار کند. منابع مالی نمایشگاه از سوی یونسکو و دولت هند تأمین شده است.»

موبد مهربان فیروزگری باور دارد گسترش دو بخش، ارتباطات و زبان می‌تواند آغازگر راه پیوند بیشتر زرتشتیان در سراسر جهان باشد.

گفت‌وگو با فرزانه گشتاسب

فرزانه گشتاسب، پژوهشگر زرتشتی که در نمایشگاه «شعله جاودان» در هندوستان شرکت کرده، از ویژگی‌های این نمایشگاه می‌گوید:

زرتشتیان ایران در نمایشگاه‌های جهانی هم‌اوری بیشتری داشته باشند

خبرنگار چهره‌نما - آریا جوانمردی
نمایشگاه «شعله‌ی جاودان» از ۲۹ اسفندماه ۱۳۹۴ در هند آغاز به کرده است و از سه بخش «زرتشتیان در تاریخ و خیال»، «رشته‌های پیوند» و «استوره‌های زرتشتی و داستان» تشکیل شده است که تا نهم خردادماه ۱۳۹۵ ادامه دارد. در این جشنواره آثار تاریخی مربوط به زرتشتیان در موزه‌های «ملی هند» و «پندرگانندی» به نمایش در آمده است. او در این گفت‌وگوی اختصاصی با «چهره‌نما» درباره‌ی چگونگی شرکت خودش در این نمایشگاه معتبر زرتشتی می‌گوید و ویژگی‌های نمایشگاه را نیز برمی‌شمارد.

فرزانه گشتاسب نحوه‌ی حضور خود در

جشنواره‌ی «شعله‌ی جاودان» را این‌گونه بیان می‌کند: «از مدت‌ها پیش، داریوش اکبرزاده که یکی از همکاران من در پژوهشگاه میراث فرهنگی است و همچنین سمت رابط بنیاد «پارزور» را بر عهده دارد، درباره‌ی برگزاری این جشنواره و همچنین حضور ایرانیان در آن مشورت‌هایی گرفته بود، به همین دلیل بنیاد پارزور در تماسی خواهان حضور من در همایش علمی جشنواره شد.»

فرزانه گشتاسب پژوهش‌هایی در زمینه‌ی آداب و رسوم زرتشتیان انجام داده است که برای نمونه می‌توان از پایان‌نامه‌ی او با عنوان «بازمانده‌های سنت کهن مکتوب در آداب و رسوم کنونی زرتشتیان ایران» نام برد. به همین دلیل از او برای شرکت در این جشنواره دعوت شد. بخشی از این نمایشگاه مربوط به «دین زرتشتی در هزاره‌ی جدید» بود که شامل پنج نشست تخصصی «باستان‌شناسی و تاریخ آسیای میانه»، «مقایسه‌ی تطبیقی سنت‌ها میان ایران و هند»، «دین و پایداری: دوره‌ی باستان، بقا و روند آیندگان»، «سنت‌های شفاهی: تداوم و تغییر»، «پیشرفته‌های امروزی: هنر، علم، رسانه و سیاست» بود.

نمایشگاه «شعله‌ی جاودان» در ابعاد بسیار وسیعی برگزار شده است نظر این پژوهشگر زرتشتی را درباره‌ی کیفیت نمایشگاه جویا شدیم. «نمایشگاه در سه موزه‌ی متفاوت هند برگزار شده است. علاوه بر نمایشگاه‌ها برنامه‌های فرهنگی مانند کنفرانس علمی و کارگاه‌های «کشتی‌بافی» و «زرتشتی‌بافی» و همچنین سخنرانی‌های دینی و فرهنگی برگزار شد.»

فرزانه گشتاسب کیفیت آثار به نمایش درآمده در موزه‌ها را چه از نظر کمیت و چه از نظر کیفیت، خوب ارزیابی می‌کند. او ویژگی این نمایشگاه را توجه به جنبه‌های

گوناگون فرهنگ زرتشتی در جای جای دنیا و همچنین نمایش تصویری روشن و علمی از تاریخ دین زرتشتی در دوره‌های مختلف می‌داند.

گشتاسب درباره‌ی کاستی‌های این نمایشگاه‌های می‌گوید: «درباره‌ی آثاری که در مورد ایران به نمایش در آمده بود این امکان وجود داشت تا آثار بیشتری به نمایش در بیاید. تاریخ معاصر زرتشتیان آن طور که باید پوشش داده نشده بود؛ همچنین می‌توانستند درباره‌ی وضعیت زندگی زرتشتیان در سده‌های پس از روی کار آمدن دین اسلام در ایران اطلاعات بیشتری به بازدیدکنندگان بدهند. مورد دیگری که می‌توانست درباره‌ی زرتشتیان ایران بازتاب داده شود، گزارشی از اقامت گاه‌ها و بناهای فرهنگی زرتشتیان ایران مانند آتشکده‌ها و میراث فرهنگی زرتشتیان از پیش از اسلام تاکنون بود که جای خالی آن





آشنایی با فرزانه گشتاسب
 فرزانه گشتاسب زاده‌ی ۲۷ مردادماه ۱۳۵۲ خورشیدی در تهران یکی از پژوهشگران زرتشتی در زمینه‌ی فرهنگ و تاریخ ایران است. او دارای مدرک کارشناسی در رشته‌ی فیزیوتراپی و کارشناسی ارشد و دکتری در رشته‌ی فرهنگ و زبان‌های باستانی است. او هم‌اکنون عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با مرتبه‌ی علمی دانشیاری است. فرزانه گشتاسب به نمایندگی از زرتشتیان ایرانی در جشنواره‌ی «شعله‌ی جاودان» هند با مقاله‌ی «اجزای اصلی آداب و رسوم زرتشتیان ایران» شرکت کرده بود.

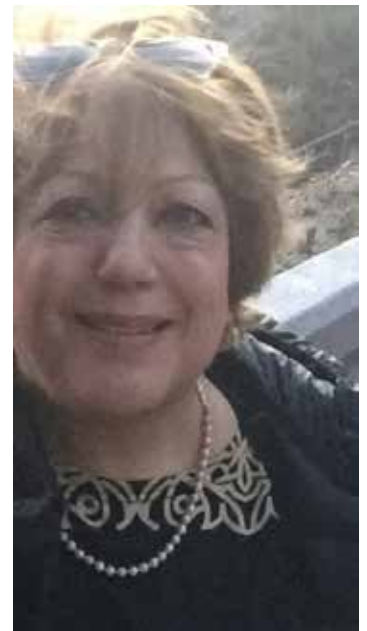


هند انجمن زرتشتیان تهران و خانه فرهنگ و هنر زرتشتیان تلاش بسیاری برای در اختیار گذاشتن اشیای تاریخی داشتند. در این میان نیز مهربان فیروزگری و داریوش اکبرزاده رابط ارسال آثار بودند. اکبرزاده آثار مربوط به بخش ایران باستان را در اختیار دولت هند قرار داده است. همچنین خانه فرهنگ و هنر زرتشتیان آثار عکس‌هایی از هنرمندان زرتشتی آماده کرده بود که در موزه‌ی «ایندرا گاندی» به نمایش در آمده است.
 نمایشگاه «شعله‌ی جاودان» از سوی کشور ایران نیز مهم تلقی شده است به طوری علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران نیز در آیین گشایش آن به سخنرانی پرداخته بود.



احساس می‌شد.»
 فرزانه گشتاسب ایران را دارای امکانات لازم برای برگزاری نمایشگاهی به مانند «شعله‌ی جاودان» می‌داند اما دشواری‌هایی هم پیش روی این کار می‌بیند. او در این باره می‌گوید: «مهم‌ترین بخش برای برگزاری نمایشگاه‌های این‌چنینی وجود هماهنگی کامل میان سازمان‌های گوناگون زرتشتی است تا هر کدام بتوانند به تنهایی گوشه‌ای از کار را مدیریت کنند. بخش دیگر هماهنگی با سازمان‌های دولتی در ایران است تا شرایط و امکانات برگزاری نمایشگاه را فراهم کنند و همچنین هماهنگی‌های لازم را با دولت هند انجام دهند. برای نمونه دولت هند هماهنگی‌ها را با موزه لندن و «آرمیتاژ» برای امانت گرفتن آثار تاریخی انجام داد.» فرزانه گشتاسب بخش دیگر مشکلات پیش رو برای برگزاری نمایشگاه‌های این‌چنینی را پشتیبانی‌های مالی می‌داند. او درباره‌ی مشکلات مالی پیرامون نمایشگاه می‌گوید: «قطعاً بدون پشتیبانی‌های اساسی مالی و کاری، نمی‌توان به فکر برگزاری نمایشگاه بود.» این بانوی پژوهشگر زرتشتی برگزاری نمایشگاه در ایران، خاستگاه اصلی دین زرتشتی، را خواسته‌ی همه می‌داند اما باور دارد که نخست باید بیاندیشیم که چه مقدار می‌توانیم این مشکلات را بر طرف کنیم سپس به فکر فراهم آوردن بسترهای لازم باشیم. او در این باره می‌گوید: «پس از برگزاری چنین نمایشگاهی در هند نمی‌توان به برگزاری نمایشگاهی مختصر، ساده و بدون برنامه بسنده کرد. پیشنهادی که بسیاری درباره‌ی آن اندیشیده‌اند این است که هیاتی متشکل از نمایندگان انجمن‌های اصلی زرتشتیان و کسانی که در این زمینه صاحب نظر هستند تشکیل شود و جوانب برگزاری جشنواره‌هایی به مانند «شعله‌ی جاودان» را بررسی کنند.»
 فرزانه گشتاسب بر این باور است زرتشتیان ایران می‌توانستند حضور پررنگ‌تری در این جشنواره داشته باشند. زیرا او معتقد است که برای حضور در این گونه جشنواره‌ها به برنامه‌ریزی و هماهنگی بیشتری نیاز است. گشتاسب حضور ایرانیان را در جشنواره هند در مقایسه با جشنواره‌ای که در سال ۲۰۱۳ در لندن برگزار شده بود، قابل قبول دانست. در جشنواره‌ی

پاسمن فرین



بر آن شدیم تا واکاوی بنماییم از نحوه برگزاری برنامه ها و تشکیل گروه جوانان در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا و فعالیت های جوانان زرتشتی در ده های گذشته زمانی که جامعه زرتشتی در ابتدای مهاجرت به خارج از کشور بود و نشان دادن همت و کوشش هموندان پیشکسوت مرکز زرتشتیان کالیفرنیا به این امید که بتوانیم این راه را ادامه دهیم و روز به روز همزوری را در جامعه خود بیشتر گسترش دهیم. در این شماره چهره نما از بانو یاسمن فرین که از فعالان تاثیر گزار مرکز هستند درخواست نموده ایم تا چکیده ای از کارهای انجام گرفته در مرکز را بازگو نمایند. با سپاس فراوان از بانو یاسمن فرین. چهره نما

و فداکارتر از من بودند ولی هنوز قرعه بنام آنان زده نشده است. امیدوارم که دست اندرکاران سراغ آنها هم بروند چون هر چه باشد آنچه که امروز جامعه ما روی آن بنا شده و ما از آن استفاده و لذت می بریم حاصل دسترنج سنگهای زیر آسیاب است. همانطور که پارسی ها با مهاجرت به هندوستان تاریخ جدیدی را در آن سرزمین ساختند، ما نیز با مهاجرت خود به این سرزمین در طی این سی و هشت سال (۳۸) تاریخچه ای ساخته ایم که نسلهای بعد آنرا بعنوان "تاریخ زرتشتیان در آمریکا" خواهند شناخت.

حال به عقب برمیگردم. سال ۱۳۵۸ خورشیدی - انقلاب - آغاز جنگ تحمیلی، وحشت پدران و مادران از حوادث در انتظار و روانه کردن فرزندانمان به امید آینده روشنتر و امن تر به غرب از هر راه و وسیله ای، جدا شدن خانواده ها از هم و برای بسیاری طعم دوری، تنهایی و نگرانی از حال و آینده را برای اولین بار چشیدن، بعضی ها سعادت مند تر بودند. خانواده با هم آمدند و یا وضع اقامتشان درست بود ولی بیشتر نوجوانان و جوانان بدون تجربه با آشنایی کم به زبان و فرهنگ، به سرزمینی پهناور پای گذاشتند که از هر دیدگاهی متفاوت بود. ناگهان به خود آمدند و دیدند دریای مهر خانواده، امنیت فقط سراب است و آنان قطره ای جدا از دریا شده اند در چنین شرایطی بود که نیاز به پیوستن به دریا بود. دریایی که آنان دیگر قطره نباشند و احساس کنند که در کنار قطرات دیگر دریایی ساخته اند، ولی چگونه می شد قطرات همدیگر را بیابند؟

در اینجا بود که مرکز زرتشتیان کالیفرنیا که از مدتی قبل پایه ریزی شده بود شروع به فرم گرفتن سریع نمود. چند نفر از خانمها که در منطقه اورنج کانتی زندگی می کردند به همت کوشش و آینده نگری روانشاد خانم فرنگیس کیخسرو شاهرخ (یگانگی) فعالیت های خود را در منازلشان با آموزش اوستا و سرگرمی برای بچه ها شروع نمودند.

در زمستان همین سال بود که با همت آنان از دو نفر از جوانان خواستند که یک سفر یک روزه به Big bear را با تهیه اتوبوسی ترتیب دهند. خوب بخاطر دارم که این خیر دهان به دهان رسید، هر کسی توانست دستی را گرفت و به ساختمان فدرال برد. اتوبوس پر شد و براه افتاد و از آن زمان دیگر همیشه اتوبوس پر و راهی بوده است. گرچه عده ای در ایستگاه های بین راه پیاده شده و مسیر دیگری در پیش گرفتند ولی عده ای تازه نفس تر گاهی هم خسته تر سوار شده و می شوند و این مسیر همچنان ادامه دارد و تا مقصد هنوز راهی دراز در پیش است. وسیله ها عوض شدند، مسافری تغییر کردند حتی گاهی مسیرها نیز تغییر کرد ولی هدف همچنان در انتظار است!! آن سفر یکروزه در آن روز سرد زمستانی جرقه ای بود که وجود مارا گرما بخشید تا بخود آییم و نیاز پیوستن به دریا را حس کنیم و بخواهیم در آن نقشی هرچند کوچک داشته باشیم.

ما هم مانند بسیاری کوچک ولی با دلی بزرگ شروع کردیم. در ابتدا نیاز به تشکیلات را حس نکردیم. از جمع شدن در منازل یکدیگر شروع کردیم. اما چند ماهی که گذشت و مرکز از جمع شدن ما اطلاع پیدا کرد پیشنهاد نمودند وقت آن رسیده است که این برنامه ها از حالت خصوصی بودن در آمده و فراگیرتر

باشد. در نتیجه پیشنهاد تشکیل "گروه جوانان" به من داده شد. در آن زمان بطور تمام وقت کار میکردم و هفته ای سه شب نیز به کالج میرفتم، از اینرو می ترسیدم که کمبود وقت و عدم تجربه ام سبب پا ننگرفتن این پروژه شود. در واقع برای خودم و تصویرم می ترسیدم. اما احساس درونی ام به من می گفت که این کار درستی است و میتوانم از عهده اش برآیم. بخاطر دارم که فریبا رستگاری و رستم نصرت اولین کسانی بودند که با آنها این پیشنهاد مرکز را مطرح کردم و آنان استقبال نمودند. انتخاباتی در کار نبود هر کس میخواست و می توانست به گروه ملحق می شد. ناگفته نماند که بیشتر افراد مایل بودند که در اجرا کمک کنند ولی مسئولیت رسمی نداشته باشند. در یکی دو سال اول برای بچه ها فقط مهم این بود که کسانی همت کنند تا دورهم جمع شوند اما بتدریج سازمان یافته تر شدیم. این نامه تدوین شد و هر دو سال انتخابات، دیگر هدف فقط در جمع شدن خلاصه نشد بلکه شناساندن و پیروی از راه فلسفه زرتشت به خودمان و سپس به اجتماع پیرامونمان هدف ما شد. بیشتر خانواده ها که با فرزندان خردسالشان به آمریکا آمده بودند در اورنج کانتی و جوانان در WLA و VALLEY تمرکز داشتند.

مرکز از خانه بدوشی به محل کوچکی که توسط بنیاد روانشاد ارباب رستم گیو در Santa Ana در اختیارشان گذاشته بود نقل مکان کردند. در نتیجه بعضی از برنامه ها در آنجا برگزار میشد و برای برنامه های دیگر از امکانات منازل خودمان استفاده میکردیم. مثل امروز تلفن همرا، ایمیل و نبود. در نتیجه می بایست زمان بیشتری می گذاشتیم، برای پیدا کردن جای مناسب برای یک برنامه "دیسکو Room" دست بدامان بچه هایی که (Rec) سالن اجتماعات در ساختمان هایشان بود میشدیم، آنقدر بالا و پایین میرفتیم تا جایی مناسب پیدا کنیم.

کسانی که دست اندرکار هستند میدانند که چه می نویسیم. برنامه ها متنوع و در محلهای متفاوت برگزار می شد، در هر زمینه فعالیت می کردیم از دیسکو تا کلاس آموزشهای دینی، پیک نیک،

در حدود بیست و پنج سالی که در آمریکا فعالیت اجتماعی داشتم با افراد بسیاری از کودک گرفته تا نوجوان، از جوان تا مسن، از افراد سرشناس تا گمنام، خودی و غیر خودی کار کردم. شاید بیشتر آموحتم تا یاد داده باشم!!

برای من کار بسیار سختی است که در باره خودم و فعالیتهایم بنویسم، گرچه در بیشتر مواقع این کردیت به من داده شده ولی دلیل آن این بوده که مردم بیشتر من را می دیدند که همیشه بوده و جوابگو بودم. اما حقیقت این است که بدون یاری، همکاری و حمایت و باور دوستان، هموندان و بزرگان هرگز نمی توانستم ادامه بدهم و بقولی دوام

بیاورم..... کاش میتوانستم از یکایک آنان نام ببرم تا بدانند چه اثری داشته اند.

بعضی ها به مراتب با ایمان تر، با سواد تر

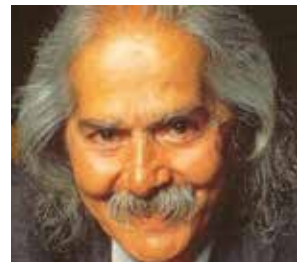
اردوی چندروزه، برنامه مخصوص بچه ها، بحث آزاد، کلاسهای مختلف، سدره پوشی عمومی، برگزاری تمام جشنها و آیینها با همکاری و حمایت مرکز زرتشتیان از کارهایی که انجام دادیم و خیلی در من اثر گذاشت یکی تشکیل گروه کر بود که زحمت و سختی فراوان داشت ولی با برنامه ای که در جشن مهرگان در سالن ODYSSEY اجرا کردیم فقط لذت و رضایت آن باقی ماند ولی حیف که تداوم نداشت. دیگری انتشار زرتشتیان YELLOW PAGES بود که سالها ادامه و بهتر شد و بعد از ما به گروه دیگری داده شد که آنرا بسیار تکمیل تر ارائه دادند بعد از ۹ سال دیگر زمان آن رسیده بود

تا کنار بروم و جوانان یگر سکان را به دست بگیرند. مدتی قبل از کناره گیری به دعوت بیژن خسرویانی، کیخسرو هرمزیاری، بهنام پرتوی و بهناز دیانت به گروه ZSC پیوستم. آن موقع هنوز سازمان یافته نبود به آنها ملحق شدم و هیئت مدیره ZSC را تشکیل دادیم. باورم بر این بود که برنامه دیگری بجز آموزشهای دینی و تفریحی نیاز است تا ابزار جدیدی باشد در پیوند و استحکام جامعه کوچک و شکننده ما، اولین مسابقات بسکتبال، پینگ پنگ و دو شروع شد اما در دوره های بعد که هر دو سال برگزار می شد رشته های دیگری مثل والیبال، بدمیتون، تنیس، شنا، مسابقات بچه ها به آن افزوده شد. بعضی از رشته ها حذف و رشته های دیگری توسعه پیدا کردند. فوتبال بصورت بازی جداگانه پا گرفت و آنهم هر دو سال برپا میشد و میشود. امروز ZSC جایگاه خاص دارد و هر دوره بهتر میشود. تا پیش از آمدنم به ایران که حدود ۹ سال پیش است در هیئت مدیره آن فعالیت می کردم. انتشار نشریه "مانترا" که هر سه ماه منتشر میشد یکی دیگر از زمینه های فعالیت بود. این نشریه به پیشنهاد رستم فرخنده پا گرفت، با کمک رستم فرخنده و رستم نصرت گروهی تشکیل دادیم که در منازل یکدیگر جمع میشدیم و مقالات را تهیه می کردیم، این نشریه سالها با حمایت مالی بنیاد مروارید گیو سر پا بود ولی با قطع آن دیگر نتوانستیم ادامه دهیم، هنوز هم بعد از سالها هروقت به آمریکا برمیگردم به

همت بهناز پرتوی دور هم جمع میشویم. همکاری در برگزاری سمینارهای آموزشی یکی دیگر از فعالیتهایی بود که انجام دادم. گروه کوچکی بود وابسته به مرکز زرتشتیان که در راستای شناساندن دین بهی از محققین و صاحب نظران دعوت می نمود که در این سمینار یکروزه در محل مرکز اجرا میشد شرکت نمایند. این برنامه باهمت و کوشش خسرو مهرپر پا گرفت. همچنین در انجمن دوستداران زرتشت تا آمدنم به ایران فعالیت می نمودم، با اینهمه صحبت تازه خلاصه ای بود از فعالیتهای و همکاری هایم با گروه های مختلف در طی سالیان جوانی و نیمه جوانیم در آمریکا!!

تو را ای کهن بوم و پر دوست دارم

اخوان ثالث



ز پوچ جهان هیچ اگر دوست دارم
تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم
تو را ای کهن پیر جاوید برنا
تو را دوست دارم، اگر دوست دارم
تو را ای گرافامیه، دیرینه ایران
تو را ای گرامی گهر دوست دارم
تو را ای کهن زاد بوم بزرگان
بزرگ آفرین نامور دوست دارم
هنروار اندیشه ات رخشد و من
هم اندیشه ات، هم هنر دوست دارم
اگر قول افسانه، یا متن تاریخ
وگر نقد و نقل سیر دوست دارم
اگر خامه تیشه است و خط نقر در سنگ
بر اوراق کوه و کمر دوست دارم
وگر ضبط دفتر ز مشکین مرکب
نئین خامه، یا کلک پر دوست دارم

گمانهای تو چون یقین می ستایم
عیانهای تو چون خبر دوست دارم
به جان، پاک پیغمبر باستانت
که پیری است روشن نگر دوست دارم
سه نیکش بهین رهنمای جهان ست
مفیدی چنین مختصر دوست دارم
همه کشتزارانت، از دیم و فاراب
همه دشت و در، جوی و جر دوست دارم
کوپرت چو دریا و کوهت چو جنگل
همه بوم و بر، خشک و تر دوست دارم
شهیدان جانباغ و فرزانه ات را
که بودند فخر بشر دوست دارم
به لطف نسیم سحر روحشان را
چنانچون ز آهن جگر دوست دارم
هم افکار پرشورش را که اعصار
از آن گشته زیر و زبر دوست دارم
هم آثارشان را، چه پند و چه پیغام
و گر چند سطری خبر دوست دارم
من آن جاودان یاد مردان که بودند
به هر قرن چندین نفر دوست دارم
همه شاعران تو و آثارشان را
به پایی نسیم سحر دوست دارم
ز فردوسی، آن کاخ افسانه کافراخت
در آفاق فخر و ظفر دوست دارم

ز خیام، خشم و خروشی که جاوید
کند در دل و جان اثر دوست دارم
ز عطار، آن سوز و سودای پر درد
که انگیزد از جان شرر دوست دارم
وز آن شیفته شمس، شور و شراری
که جان را کند شعله ور دوست دارم
ز سعدی و از حافظ و از نظامی
همه شور و شعر و سمر دوست دارم
خوشا رشت و گرگان و مازندران
که شان همچو بحر خزر دوست دارم
خوشا حوزه شرب کارون و اهواز
که شیرین ترینش از شکر دوست دارم
فري آذربادگان بزرگ
من آن پیشگام خطر دوست دارم
صفاهان نصف جهان تو را من
فزونتر ز نصف دگر دوست دارم
خوشا خطه نخبه زای خراسان
ز جان و دل آن پهنه ور دوست دارم
زهی شهر شیراز جنت طرازت
من آن مهد ذوق و هنر دوست دارم
بر و بوم کرد و بلوچ تو را چون
درخت نجابت ثمر دوست دارم
خوشا طرف کرمان و مرز جنوب
که شان خشک و تر، بحر و بر دوست دارم

من افغان همریشه مان را که باغي ست
به چنگ بتر از تتر دوست دارم
کهن سغد و خوارزم را با کویرش
که شان باخت دوده ي قجر دوست دارم
عراق و خلیج تو را چون ورازورد
که دیوار چین راست در، دوست دارم
هم ارژان و قفقاز دیرینه مان را
چو پوری سرای پدر دوست دارم
چو دیروز افسانه، فدای روایات
به جان این يك و آن دگر دوست دارم
هم افسانه ات را، که خوشتر ز طفلان
برویاندم بال و پر، دوست دارم
هم آفاق رویایی ات را که جاوید
در آفاق رویا سفر دوست دارم
چو رویا و افسانه، دیروز و فردات
به جای خود این هر دو سر دوست دارم
تو در اوج بودی، به معنا و صورت
من آن اوج قدر و خطر دوست دارم
دگر باره برشو به اوج معانی
که ت این تازه رنگ و صور دوست دارم
نه شرقی، نه غربی، نه تازی شدن را
برای تو، ای بوم و بر دوست دارم
جهان تا جهان است، پیروز باشی
برومند و بیدار و بهروز باشی

زرتشت و بازسازی هویتی ایرانیان

آنگه زرتشت برای ایرانیان تنها یک آنگه نیست، بلکه یک هویت است

چکیده کوتاهی از سخنان دکتر خسرو خزاعی

هموندان و دوستان ارجمند

اجازه می‌خواهم امروز کمی در باره بازسازی هویتی ایرانیان گفتگو کنم. منظور من از هویت یا شناسه، « هویت فرهنگی» است. و آن تصویری است که ما از خود به دنیای بیرون از خود می‌دهیم. با سخنی دیگر، «شناسه» ما دیدگاهی است که دیگران از ما دارند و با معیارهای آن ما را ارزشیابی و سنجش و در نهایت قضاوت می‌کنند.

این دیدگاه معمولاً فرهنگی است. اگر کسی از یک فرهنگ که بالاتر و برتر شناخته شده بیاید، هر اندازه هم آن شخص بی مایه و تهی باشد، باز در گام نخست بنظر دیگران بالاتر و برتر بشمار می آید. بر عکس آن هم درست است. در سده های میانه (قرون وسطی) اروپائیان در زیر ستم و کورگرانی کلیسای مسیحی خود را افرادی بی فرهنگ میدانند. دانشمندان خود را، مانند گالیله ها میکشیدند یا فراری میدادند، لاوازیه ها را میسوزاندند و خردمندان خود را به آواره گی و تبعید میفرستادند.

افرادی را که برابر با دستورهای کلیسا عمل نمی کردند، هزاران هزار میکشیدند، یا سنگسار میکردند یا در خانه های بی درو پنجره زندانی میکردند تا بمیرند. اختناق و کوچک شمردن و تحقیر مردمان و اندیشه های آنها به اندازه ای رسیده بود که کم کم جنبش «رنسانس» یا «نوزادی» را در سده های ۱۳ و ۱۴ میلادی در اروپا پی ریزی کرد. در حقیقت، «رنسانس» برای اروپائیان در جهت یک بازسازی هویتی آغاز شد. و با این آرمان، آنها به دل تاریخ خود رفتند تا هویت خود را در فرهنگ یونان و روم جستجو کنند. ولی آنها از فرهنگ یونان و روم چیزی نمیدانستند. بیش از ۱۵۰۰ سال از انهدام آن فرهنگها گذشته بود. ولی با اینکه ابزارهای امروزی مانند

کامپیوتر و اینترنت و ابزارهای ارتباطی جمعی در دست نداشتند، توانستند سرانجام فرهنگی را از هیچ به هست بیاورند و کم کم هویت نوینی را برای خود بسازند و به دورانی که «دوران روشنائی» نام گزاری شده برسند.

نداشتن ابزار مدرن ارتباطی باعث شد که آنها چهار صد سال زمان برای بازسازی هویتی بگذارند. این «نوزادی» یا «رنسانس فرهنگی» بدبختانه در میان ایرانیان، با داشتن یکی از درخشانترین فرهنگهای باستانی، نتوانست در سده های گذشته جوانه بزند. بسیاری از ستارگان درخشان مانند فردوسی، حافظ، خیام، مولوی، پورسینا، رازی و ... که بازماندگان همان فرهنگ باستان بودند، آمدند و درخشیدند



ولی هیچگاه نتوانستند تکانی به جامعه بی تحرک و درمانده و جدا شده از خویشتن خود بدهند. بنابراین آنها در کنار و حاشیه جامعه ماندند. چرا؟ چون آنها « ریشه » نبودند، آنها شاخ و برگ از یک ریشه تنومند یعنی فرهنگ زرتشت بودند. ریشه ای در زیر خروارها خاکستر تاریخ پنهان شده بود و لی هنوز آتش آن سوسو میزند. مردم شاخ و برگ را میدیدند ولی از ریشه آن نا آگاه بودند چون چشمها نابینا شده بود. مثلاً نمیتوانستند بفهمند چرا فردوسی و حافظ و مولوی و خیام و پورسینا و ... از مردم کشورهایی مانند عربستان و دیگر کشورها شاخه نزنند. و چون این حقیقت را نمیتوانستند یا نخواستند دریابند بقول حافظ «ره افسانه زدند».

و انسان ایرانی در این فضای نافرنگی تکه تکه شد. هر تکه ای از او در نبرد با تکه دیگرش شد. یک تکه او به صحرای عربستان کشیده میشد تا عربها را الگوی خود قرار دهد، تکه دیگرش به غرب میرفت تا خود را یک فتوکپی ناقص از فرهنگ غرب در آورد و تکه سومی به فرهنگ گذشته خودش که تنها تصویر گرد گرفته و مه آلودی از آن داشت چشم دوخته بود. در این کشمکش هویتی از خود و خویشتن خود بی خبر شد و یادش رفت کی بود و کی هست.

اکنون حوادث روزگار زمان ما، ایرانیان را از خواب سنگین سده ها بیدار کرده و یا در حال بیدار کردن است و این نسل ماست که این رستاخیز فرهنگی، این «نوزادی» را بوجود آورده و آن نسل فردا خواهد بود که آن را به پیروزی خواهد رساند.

در این هیچ شک و تردیدی نیست. ما ریشه فرهنگی و هویتی خود را شناسائی کرده ایم و آن اندیشه بزرگ آموزگار زرتشت است که این کشور را با سروده هایش ساخت. ولی ایران برای زرتشت و اندیشه او کوچک است. در فردای پیروزی، ایرانیان خواهند دید که زرتشت آغوش خود را برای تمام جهانیان باز خواهد نمود و جهان را در آغوش خواهد گرفت

دستند هر جستجوی خدا با مورگان فریمن

مورگان فریمن در مصاحبه با The Blaze:

من هیچ ایده ای در مورد فلسفه ی زرتشت نداشتم، پس از مطالعه در مورد ادیان، متوجه شدم که من یکی از ره روان این فلسفه هستم.

«مورگان فریمن»، بازیگر سرشناس هالیوودی برای ساخت مستند «داستان خدا» راهی ترکیه شد. نقل قولی از خبرگزاری های بسیار همچون Isna، Cinemapress و Dailyafghanistan بیان می شود.

مورگان فریمن، بازیگر فیلم هایی چون «رستگاری در شانوشنگ» و «عزیز میلیون دلری» برای فیلمبرداری اثری مستند به نام «داستان خدا» به آناتولی مرکزی در قونیه سفر کرد.

این فیلم در بردارنده تجربیات و آیین های مذهبی در سرتاسر جهان است و برای شبکه تلویزیونی «نشال جنوگرافیک» تولید می شود.

اولین قسمت این سریال در تاریخ ۳ آوریل با نام «پس از مرگ» نمایش داده شده و قسمت های ۲ تا ۶ این مجموعه، شامل عناوین «آخر زمان»، «خدا کیست؟»، «خلق»، «چرا شیطان وجود دارد؟» و «قدرت معجزات می باشد».

فریمن ساخت فیلمش را در بخش «کاتالهیوک» قونیه شروع کرد، منطقه ای با ۸۰۰۰ نفر جمعیت که قدمت آن به دوران پارینه سنگی برمی گردد. «کاتالهیوک» یکی از اولین سکونتگاه های بشر محسوب می شود. دو کارشناس از تیم حفاری و موزه این شهر، فریمن را در این پروژه همراهی می کنند.

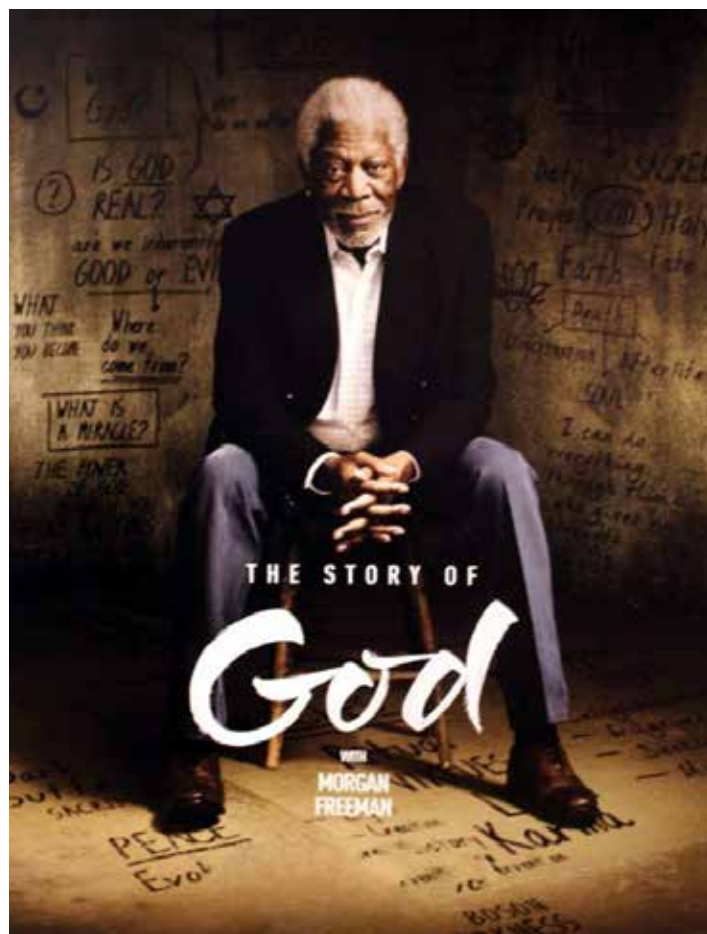
شروع تمدن بشری، ساخت ابزارآلات کشاورزی، ارتباط انسان ها با محیط، درگیری های زندگی در طبیعت و حرکت به سمت زندگی اقتصادی از جمله محورهای فیلمی هستند که این هنرپیشه سرشناس در قونیه به دنبال آن بوده است.

به گزارش حریت دیلی نیوز، مورگان فریمن ۷۸ ساله که اولین بار در سال

۱۹۶۴ مقابل دوربین قرار گرفت، تاکنون پنج بار نامزد جایزه اسکار شده که در سال ۲۰۰۴ برای فیلم «عزیز میلیون دلری» بهترین بازیگر نقش مکمل مرد شد.

مورگان فریمن در این سریال مستند تمام تلاش خود را می کند تا به مردم نشان دهد که اغلب ادیان، زندگی پس از مرگ را چگونه تصور می کنند.

او در یکی از مصاحبه هایش با TheBlaze می گوید: «من هیچ ایده ای از فلسفه ی زرتشت نداشتم، اما هم اکنون متوجه شدم که یکی از دنباله رو های این فلسفه هستم.»



او در یکی از آخرین مصاحبه هایش با TheBlaze گفته است که ایده ی سریال تهیه شده برای کانال National geography با نام «داستان خدا با مورگان فریمن»، ۶ یا ۷ سال پیش هنگامی که او و تولید کننده ی او Lori McCreary در استانبول بودند شکل گرفت. در آن زمان بود که آنها دریافتند «مسیح بخشی از سنت مذهبی اسلامی است» و به عنوان یک پیامبر توسط مسلمانان قلمداد می شود.

مورگان همچنین در مصاحبه اش با pagesix گفته است: «من ۲۰ شهر ۷ کشور - Jerusalem's، Wailing Wall، مساجد قاره، Guatemala's، Mayan، معابد، Bodhi Tree در هندوستان، B.C. Neolithic Turkish settlements را بازدید کرده ام. من با یک بودایی مدیتیشن کردم، زندگی پس از مرگ را تحقیق کردم، و تمامی این موارد برای یادگیری رازهای هستی بوده است. خدا کیست؟ ما از کجا آمده ایم.»

مورگان همچنین اشاره می کند که با وجود اینکه در طول این فیلم برداری بسیار به اطلاعاتش افزوده شده است، او احساس نمی کند که باور شخصی اش نسبت به زندگی و هستی تغییر کرده است.

او پیشتر در یکی از مصاحبه هایش با the Belfast Telegraph گفته است که: «فلسفه ی زرتشت، یکی از قدیمی ترین فلسفه ها می باشد که بر پایه ی ۳ مورد بنا شده است: اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک که این تقریباً همه ی موارد را می پوشاند.»

مجموعه ی ۶ قسمتی «داستان خدا» که از ۳ آوریل آغاز به نمایش کرده است، در مورد زندگی پس از مرگ، پایان دنیا، پیدایش و سوالاتی چون خدا کیست، شیطان و معجزات بحث می کند، موضوعاتی که وی امیدوار است باعث شود تا بینندگان بسیار عمیق تر در مورد آن تفکر کنند.

او همچنین می گوید، با وجود اینکه هر کسی راه متفاوتی را بر میگزیند، تمام انسانها به سادگی به دنبال یافتن معنای زندگی هستند.

به پاک کیخسرو کشاورز

(۱۳۸۷-۱۳۹۳ خورشیدی)

بوذرجمهر پر خیده

1345 خ. از خدمات دولتی بازنشسته شد و از آن به بعد تمام وقت آزاد خود را در خدمت فعالیت های فرهنگی و اجتماعی و دینی زرتشتیان گذاشت.

همزمان با فعالیت در گروه فرهنگی هدف (عضویت هیات مدیره) و دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی به تاسیس انجمن زرتشتیان تفت و توابع مقیم تهران نیز همت گماشت و خود در تمام مدت دبیر آن انجمن

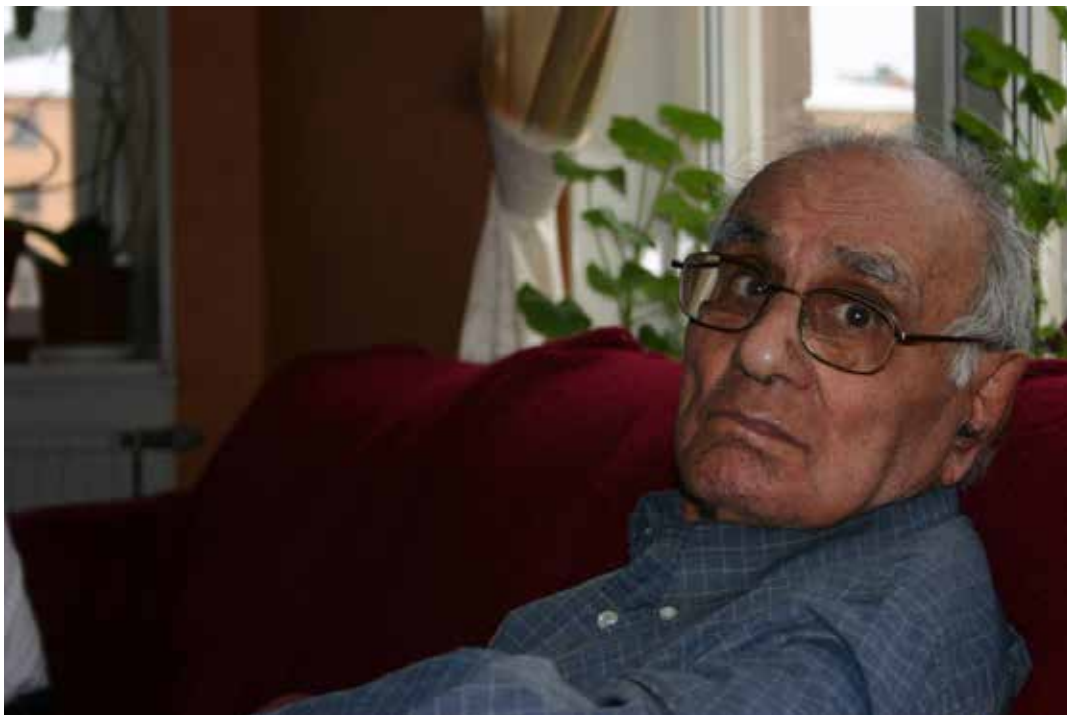
مسافرت دو ماهه آموزشی - تفریحی به اروپا برد. کیخسرو کشاورز از نگاه نویسندگان سالنامه دبیرستان فیروزبهرام در سال تحصیلی 36-37: « در سنه 1295 در شهر یزد کودکی به دنیا آمد که هم اکنون ریاست دبیرستان فیروزبهرام و از این مهمتر سمت پدری ما را دارند. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر یزد و یا به قول خودشان «پایتخت کویر!» به پایان رسانیدند و تحصیلات عالی خود را در تهران به اتمام رسانیده‌اند. در سن 25 سالگی گرفتار عشق یکی از همشهری‌های خودشان شدند. چه می‌شود کرد. با دل که نمی‌شود جنگید.... به هر صورت در نتیجه همین خواسته دل است که هر وقت به خانه می‌رود 3 پسر و 1 دختر همراه با خانم دورش را گرفته و سر به سرشان می‌گذارند. امسال دومین سالی است که آقای کشاورز ریاست دبیرستان ما را به عهده دارند. بدون اغراق از اولین روز ورود ایشان

15 فروردین 1395 خورشیدی، 8 سال از درگذشت کیخسرو کشاورز می‌گذرد. او زندگی پربراری داشت و انسانی تاثیرگذار بود.

در سال 1293 خورشیدی در تفت یزد زاده شد. آموزش‌های ابتدایی و متوسطه را در یزد و دوره دانشگاهی را در سال 1315 خورشیدی در دانشسرای عالی تهران به پایان برد. تا سال 1326 خورشیدی در شهرهای قزوین، کرمان، مشهد و تهران به کار آموزگاری پرداخت.

نخستین شماره مجله دوزبانه پشوتن را در فروردین ماه 1327 خورشیدی (درست 2 سال پیش از چاپ نخستین شماره مجله هوخ) در تهران منتشر کرد. کیخسرو کشاورز در سرمقاله این شماره به واژه «پشوتن» می‌پردازد و آن را در اوستا و شاهنامه مورد بررسی قرار می‌دهد. آخرین شماره این ماهنامه در اسفندماه همان سال منتشر می‌شود و دوره اول آن به پایان می‌رسد و پس از آن دیگر منتشر نمی‌شود. از نوشته‌های مهم این دوره مجله؛ نام ماه‌ها و جشن‌های مربوط به هر ماه است - نوشته موبد فیروز آذرگشسب - که به طور مرتب در هر شماره از مجله آمده است. موبد رستم شهزادی، دکتر محمد معین، دکتر صفا، دکتر محمد جواد مشکور، سعید نفیسی، احمد بهارمست، عبدالحسین زرین‌کوب و..... از نویسندگان بنام دوره یک‌ساله پشوتن بوده‌اند. از کیخسرو کشاورز در دوره نخست پشوتن چند نوشته بسیار خواندنی به چاپ رسیده است که نشان می‌دهد او به آیین‌ها و مراسم دینی و لهجه دری زرتشتی بسیار علاقه‌مند بوده و کوشش‌های بسیار زیادی در این راه کرده است. از جمله این نوشته‌ها: در شماره‌های 5 و 7 پشوتن: «تهیه مقدمات و اجرای مراسم زناشویی در بین زرتشتیان ایران و پارسیان»، در شماره 9 پشوتن: «مراسم سدره پوشی»، در شماره‌های 10 و 11 پشوتن: «لهجه زرتشتیان ایران».

در سال‌های تحصیلی 35-36 و 36-37 به ریاست دبیرستان فیروزبهرام، و هم‌زمان به هموندی انجمن زرتشتیان تهران برگزیده شد. در این دوران برای نخستین بار شماری از دانش‌آموزان دبیرستان فیروزبهرام را به یک



بود. سپس سردبیری مجله فروهر و عضویت در هیات مدیره سازمان جوانان زرتشتی و عضویت در هیات ریسه انجمن زرتشتیان تهران و سرپرستی دبیرخانه آن را هم پذیرفت. در ضمن امتیاز کتاب‌خانه و کتاب‌فروشی انتشارات فروهر به عهده وی بود.

شماره 1 دوره جدید مجله فروهر (شماره پی در پی 276) از اردیبهشت ماه 1362 خورشیدی به سردبیری کیخسرو کشاورز در 120 رويه منتشر می‌شود (34 سال پس از تعطیلی پشوتن). دوباره کیخسرو کشاورز بهترین نویسندگان

تحول عجیبی در ارکان دبیرستان مشاهده شد.....پروژکتوری خریداری گردید.... آقای کشاورز قبل از این‌که به ریاست دبیرستان منصوب شوند در شهرستان‌های ایران و تهران به تدریس علوم طبیعی مشغول بودند.....سال گذشته اردویی از دبیرستان ما تحت سرپرستی آقای کشاورز روانه اروپا شد که بهتر است عقایدشان را به قلم خودشان مطالعه بفرمایید: خوشبختانه این افتخار نصیب دبیرستان فیروزبهرام گردید که برای اولین بار در تاریخ تعلیم و تربیت ایران در تابستان سال 1336 خورشیدی اردویی مرکب از دانش‌آموزان با خرج خودشان به وسیله اتوبوس به ممالک اروپایی اعزام دارد. گرچه این عمل جز تقلیدی از آن‌چه ممالک اروپایی انجام می‌دهند، چیزی نبود، ولی از لحاظ این‌که در ایران و شاید در خاورمیانه، اولین بار بود که این مسافرت انجام گرفت، دبیرستان در قبال انجام آن، خود را مفتخر می‌داند.....»

سیس مدت دو سال ریاست اداره اعزام دانشجو به خارج از کشور و بلافاصله برای مدت شش سال سرپرستی دانشجویان ایرانی در اتریش را عهده‌دار بود. در بازگشت به ایران در سال



بوذرجمهر پرخیده (۱۳۳۴ خورشیدی تهران)

این پژوهشگر و روزنامه‌نگار زرتشتی کار در حوزه رسانه را با نوشتن مقاله‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی در مجله‌های «مهنامه زرتشتیان»، «خواندنی‌ها» به سردبیری زنده‌یاد علی اصغر امیرانی، گزارش ماهانه سازمان فروهر که در آن زمان (سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷) زیر نظر هاشم رضی بود.

وی از آغاز گشایش هفته‌نامه امرداد در این رسانه زرتشتی به عنوان نویسنده فعالیت داشت و همزمان با مجله فروهر نیز همکاری می‌کرد. سردبیری مجله «وهومن» به مدیرمسئولی روانشاد افلاطون ضیافت و چاپ هفته نامه «ندای زرتشتی» در سالهای نخستین انقلاب ۵۷ از کارهای دیگر وی بود.

بوذرجمهر پرخیده هم‌اکنون مدیریت دبیرستان ماندگار فیروزبهرام را بر دوش دارد و دبیر بخش تاریخ نشریه امرداد نیز هست

پایان رسید. انتشار مجله فروهر - بدون سردبیری کشاورز - در دی‌ماه ۱۳۶۳ خورشیدی پی گرفته شد ولی دیگر کسی نتوانست آن نویسندگان و آن چنان مقاله‌هایی را برای مجله فروهر دوباره فراهم آورد.

پس از مهاجرت به کشور سوئد، در سال ۱۳۶۷ خورشیدی یادداشت‌های خود را درباره فرهنگ زرتشتیان استان یزد تنظیم و به صورت کتابی در سال ۱۳۷۱ خورشیدی در آمریکا به چاپ رسانید. چاپ نخست آخرین کار پژوهشی او کتاب «مزدا خدا نیست» در سال ۱۳۷۵ خورشیدی در آلمان منتشر شد.

او در پیش‌گفتار چاپ نخست کتاب «مزدا خدا نیست بنیان آفرینش است»، درباره انگیزه نوشتن کتاب چنین می‌نویسد: «... یکی از نوه‌هایم به نام میترا، دختری که در دامان مادری سوئدی و پدری ایرانی و زرتشتی در سوئد پرورش یافته است، روزی در سن ۱۴ سالگی از پدر و مادرش اجازه خواست که در تعطیلات تابستانی به خانه ییلاقی مادر بزرگش برود و با دختری از دوستانش نزد کشیش دهکده آشنایی بیشتری با کیش مسیح پیدا کنند. اجازه یافت و رفت. در برگشت از پدر پرسید زرتشت که بود و چه گفت؟ پدرش از من خواست که چند صفحه‌ای درباره آن‌چه مورد نیاز دخترش است بنویسم، پذیرفتم. به ویژه که به دلایل گوناگون کتاب‌های زیادی درباره کیش زرتشتی در اختیار داشتم. افزون‌برآن بازنشسته بودم و بیکار. شادمان شدم که کاری از من خواسته شده که مورد علاقه خودم نیز هست، با این انگیزه و هدف دست به خامه بردم.....»

کیخسرو کشاورز در روز دی به مهرابزد و فروردین ماه (۱۵ فروردین) ۱۳۸۷ خ. در سوئد درگذشت.

را گرد می‌آورد و نوشته‌هایشان را در این دوره فروهر می‌آورد؛ دکتر مشکور، جمشید سروشیان، هاشم رضی، دکتر عنایت‌الله رضا، محسن فرزانه، فریدون جنیدی، تیمسار اشیدری، ماهیار نوابی، جمشید صداقت‌کیش، مرتضی فراهادی، مهشید میرفخرایی، مهدی فرشاد، احمد بیرشک، دکتر کزازی، ایرج وامقی، دکتر راشد محصل، جمشید پیشدادی، توران شهریاری، علی اصغر مصطفوی و.....

جالب است که در این دوره از مجله فروهر، کشاورز پژوهش در زبان زرتشتیان را ادامه می‌دهد و دستور زبان و گویش زرتشتیان استان یزد را تنظیم کرده و در مجله فروهر آن را به چاپ می‌سیارد. این نوشته‌ها چند سال بعد به کوشش فرزانه دانشمند زرتشت ستوده و هزینه دکتر سهراب سعادت به صورت کتابی مستقل در انگلستان به چاپ می‌رسد. این دوره مجله نیز به‌مانند پشتون - متاسفانه - در اسفند ماه همان سال (۱۳۶۲ خورشیدی) به

معرفی کتاب

کتاب دری

یک سال از درگذشت شادروان جمشید پیشدادی گذشت. گرچه او دیگر در بین ما نیست ولی کتابهایی که از او برجا مانده سرگذشت زندگی اش و تاریخ جامعه زرتشتی را در آن دوران جاودانه نگه خواهد داشت

کتاب دری که آخرین کتاب اوست به شیوه داستانهای کوتاه نوشته شده و نه تنها زبان دری بلکه روش زندگی و جشنها و سنتهای زرتشتیان یزد را در سده گذشته به خوانندگان پیشکش میکند

در پیروی از باور روانشاد جمشید پیشدادی که «گروهی که زبان ندارد شناسنامه ندارد و کم کم هستی و شناخت خود را از دست میدهد» به دستداران فراگیری این زبان خواندن این کتاب را توصیه می‌نماییم به امید آنکه گفتگو به این زبان رواج پیدا کند

روانشاد



- گهنبار چهره همس پت میدیم گاه که برای پیدایش انسان است و یکسان شدن شب وروز و آمدن نوروز جمشیدی را نوید میدهد در روز مانتره سیند و اسفندماه به سرپرستی بانو منیژه اردشیری در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برگزار شد. شرکت شمار زیادی از هموندان مرکز زرتشتیان کالیفرنیا همراه با سایر ایرانیان در

با سپاس از بانو مهرانگیز جم زاده برای همیاری دربخش نودادها و در دسترس گذاشتن فتورها و فرزانه گرامی رستم شیرمردیان:

فهرست کارهای انجام شده در سه ماهه گذشته در مرکز زرتشتان کالیفرنیا با یاری گروه مدیران:

- یکشنبه ها برنامه نیایش توسط موبد اشکان باستانی و همراه با نونهالان کلاسهای مرکز برگزار میشود و سپس در پایان آهنگ اشم وهو ویتا اهو ویویو توسط گیتار شهروز اش و پیانو کورش اش و آوای نونهالان کلاسهای مرکز انجام میشود.
- فرزانه گرامی دکتر جعفری در باره مردم سالاری در دین بهی □ در مرکز زرتشتان کالیفرنیا سخنرانی کردند.

- مرکز زرتشتیان کالیفرنیا به مناسبت جشن اسفندگان (روز زن) نمایشنامه زنان نامدار ایران باستان را به همراه برنامه های فرهنگی و هنری بزبان فارسی برگزار نمودند. همچنین فرزندگان رستم کیومرثی - فرین سرداری - پدram کیانفر و سروش فرودی از گروه پیوند با نوای دلنشین سازهایشان بر شکوه این جشن افزودند که با استقبال زیادی روبرو شد.

- بانو دکتر مریم سیدی از سوی سازمان امید که یاری رسان خدمات اجتماعی و روانی می باشند در باره یاری رسانی سازمان امید سخنرانی کردند.

- مرکز زرتشتیان لس آنجلس و اورنج کانتی با یاری همدیگر شب نشینی جشن نوروز را با برنامه های شاد و موسیقی و شام ایرانی در المپیک کالکشن برگزار کردند که مورد استقبال بسیاری قرار گرفت.



رژه نوروزی برای دومین بار با پایه گذاری بانو مری آپیک در لس آنجلس (گرنند پارک - کالیفرنیا) برگزار شد. در این راهپیمایی از سوی مرکز سه موبد و دو جوان با در دست داشتن فروهرطلایی بزرگ و دو جوان دیگر با در دست داشتن دو پرچم



زرتشتیان و پرچم ایران که با خود می بردند در پیشاپیش گروه رژه رفته و جوانانی که نمایشنامه زنان نامدار ایران باستان را در مرکز نمایش داده بودند بر روی ارابه تخت جمشید ایستاده و زیبایی ویژه ای به رژه دادند.

- برگزاری آیین یادبود همکیشانی که در سال گذشته در گذشته ای داشته اند برای



نوروز و جشنهای ایرانیان سخنرانی نموده و سپس دانش آموزان کلاسهای مرکز رقص بسیار زیبایی اجرا نمودند. این جشن که با برنامه های بسیار شاد به گونه ی باشکوهی برگزار گردید شهردار شهر اروین نوروز باستانی را به ایرانیان شادباش گفتند.

شرکت مرکز زرتشتیان کالیفرنیا در دو جشن نوروزی لس آنجلس و اروین برای یاری رسانی به آنها و شناسایی مرکز و کارهای فرهنگی آن به تماشاگران و بینندگان و شنوندگان تلویزیون و رادیو بود.

- موبد اشکان باستانی سمینار آموزشی در باره شناخت بیماری و دشواریهای روانی که از سوی بهداری اورنج کانتی پیشنهاد شده است برگزار کردند و همچنین بانو شیدا فرهنگی این سمینار را برای گروه تازه دیگری در روز شنبه هفتم می برگزار نمودند و در پایان به هر دو گروه آموزش دیده گواهینامه داده شد.

- گهنبار چهره میدیوزرم گاه که جشن میان بهار است در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برگزار شد و پس از آن گزینش گروه نگرش بر گزینش گروه مدیران دوره بیستم مرکز برگزار گردید. در این نشست بر پایه بنیادنامه مرکز پنج تن از هموندان مرکز : فرزانتکان کامبوزیا فرهنگی - مهرنوش شهزادی - افسانه آبیاری - بهمن کایوانی و آرمیتا گشتاسیان برگزیده شدند.

آگهی:

- برای گذاشتن آگهی ها و نیازمندیهای خود در تابلو مرکز و یا پخش در تلویزیونهای مرکز به مرکز زرتشتیان زنگ بزنید.

- مجله چهره نما آگهی می پذیرد. برای آگاهی بیشتر به مرکز زرتشتیان زنگ بزنید و یا به

cinfo@czc.org ایمیل بفرستید.

- مرکز زرتشتیان کالیفرنیا بر آنست که برای صرفه جویی در مخارج برق ساختمان مرکز از سیستمهای پیشرفته سولار استفاده نماید. از تمامی همکیشان درخواست میشود که با دهش خود ما را در این کار مهم یاری دهند.

- کلاسهای تابستانی آموزش موسیقی (پیانو - گیتار - سه تار - تار - تنبک - دف) برای بزرگسالان و بچه ها در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا دانشجو می پذیرد. برای نامنویسی به مرکز زنگ بزنید.

از همه هموندان درخواست میشود که هموندی خود را برای سال ۲۰۱۶ نو نمایند.

اوستاخوانی:

۱- خانم فرنگیس جم زاده خسروی برای سال روانشاد ان خدایار رستم خسروی و شیرین مزدایی جم زاده ۲۰۲ دلار.

۲- خانم بریدخت و آقای هومن کامیار و منیژه و فرزاد کامیار برای سر سال روانشاد رستم غیبی ۱۰۲ دلار.

۳- خانم سیمین و آقای منوچهر نوروزیان برای سر سال روانشاد جمشید بهمن نوروزیان و همایون اسفندیار هورشتی ۱۳۰ دلار.

۴- خانم پوراندخت سلامتی مهرفر و فرزانه و مهران مهرفر برای سر سال روانشاد اسفندیار مهربان مهرفر ۱۵۲ دلار.

۵- دهشمند برای سر سال روانشاد پروین فریدون سهرابی منفرد ۵۰ دلار.

۶- خانم شهناز پارسی آذرگشسب برای سر سال روانشاد سیمین دستور خدایار آذرگشسب ۱۰۰ دلار.

۷- خانم سیمین و آقای سهراب خدیوی برای سر سال روانشاد تابنده موبدشاهی سروشیان ۱۰۰ دلار.

۸- آقای فرخ پور مستدام برای سر سال روانشاد هوشنگ هرمزدیار پور مستدام ۱۰۱

دومین سال در روز یکم فروردین ۱۳۹۵ برابر با ۲۰ مارچ ۲۰۱۶ بگونه ای همگانی در تالار مروارید گیو برگزار شد.

۱- خانواده بنداری برای روانشادان شاه فریدون و خورسند بمان بنداری.

۲- خانواده جم زاده برای روانشاد ناهید مرزبانی جم زاده .

۳- خانواده سرایی برای روانشاد رستم سرایی.

۴- خانواده شهریاری برای روانشاد گلبانو جهانگیر نیرو شهریاری.

۵- خانواده بهمدی برای روانشاد سرور باستانی.

شادی روان آن زنده یادان و تندرستی و دیرزیوی بازماندگان را از اهورامزدا خواستاریم .

- جشن نوروز باستانی و زادروز اشوزرتشت و دید و بازدید همگانی در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا با شکوه فراوانی برگزار شد و برنامه های جالبی توسط دانش آموزان کلاسهای فارسی و کلاس اوستا به نمایش گذاشته شد که مورد استقبال قرار گرفت .

- دید و بازدید نوروزی ایرانیان با همکاری مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برای سومین سال در پارک شهر اروین برگزار شد . از سوی مرکز فرزانه شهروز اش در باره

روان آن زنده یاد و تندرستی و دیرزیوی بازماندگان را از اهورامزدا خواستاریم .

دهشمندان :

- ۱- تراست روانشاد مروارید گویو برای کمک به چاپ چهره نما ۸۰۰ دلار.
- ۲- خانم هدیه کامکار و آقای شهرام راوری برای هموندی و دهش ۱۰۰۰ دلار.
- ۳- خانم شبنم و آقای رستم شیرمردیان بنامگانه و بمناسبت سر سال روانشاد رشید رستم شیرمردیان شریف آباد ۵۰۰ دلار.
- ۴- خانم ونوس ویژه کشورستانی بنامگانه روانشادان سرور صفاهانی ملک زاده - فریدون ویژه کشورستانی و زربانو جهانبخش زاده ۱۵۰ دلار.
- ۵- خانم گوهر بهدادنیا ۱۰۱ دلار.
- ۸- خانم پوراندخت کمداد بنامگانه روانشاد شاهجهان سروش کمدار ۲۵۰ دلار.
- ۹- خانم سلطان و آقای داریوش بوستانی بنامگانه روانشاد اسفندیار بوستانی ۲۰۲ دلار.
- ۱۰- آقای سهراب شهریاری بنامگانه روانشاد گلبونجهانگیر نیرو شهریاری ۲۵۰ دلار.
- ۱۱- آقای بهمن کاویانی کوثرخیزی ۱۰۱ دلار.
- ۱۲- آقای دکتر محمود بقایی ۱۰۱ دلار.
- ۱۳- خانم پروین و آقای گشتاسب دشتکی ۱۰۱ دلار.
- ۱۴- آقای ایرج ایرانپور ۱۰۱ دلار.
- ۱۵- آقای منوچهر ارشدی ۱۰۰ دلار.
- ۱۶- خانم سمین و آقای سهراب خدیوی بنامگانه روانشادان تاننده موبدشاهی و افلاطون سروشیان ۵۰۰ دلار.
- ۱۷- خانم زهت و آقای دکتر هوشنگ معیری ۵۰۰ دلار.
- ۱۸- خانم پریدخت موبد ۳۰۰ دلار.
- ۱۹- خانم شیرین خانی مهرآیین بنامگانه روانشاد فریدون مهرآیین ۱۰۱ دلار.
- ۲۰- خانم مهوش و آقای دکتر تیرانداز گشتاسبی ۱۰۱ دلار.
- ۲۱- خانم فیروزه و آقای شادفر ترنجی ۷۰۰ دلار.
- ۲۲- خانم کتابون هرمان کاوسی ۱۰۱ دلار.
- ۲۳- خانم اختر شجاعزادگان بنامگانه روانشادان دکتر شروین بهروزیان و خدارحم بهروزیان و سلطان شجاعزادگان ۲۰۰ دلار.
- ۲۴- خانم منیژه و آقای بهرام دبو ۱۰۱ دلار.
- ۲۵- آقای اردشیر باغخانیان یک دستگاه کی بورد یاماها برای تمرین کلاس موسیقی مرکز.
- ۲۶- خانم فیروزه و آقای شادفر ترنجی ۷۰۰ دلار.
- ۲۷- آقای رشید کمدار ۱۰۱ دلار.
- ۲۸- خانم شقایق فرامرز بنامگانه روانشاد لعل نیک منش یلزاده ۲۰۰۰ دلار.
- ۲۹- خانم فریا شهزادی ۱۰۰ دلار.
- ۳۰- آقای Tom Kavarta یک صد دلار.
- ۳۱- دهشمند ۱۰۰ دلار.

دهشمندان گهنبار

- اسامی افرادی که از تاریخ ۱۶/۰۳/۲۰۱۶ تا ۱۶/۰۱/۲۰۱۶ (سه چهره) ۵۰ دلار یا بیشتر به برگزاری مراسم گهنباردهشش نموده اند.
- آقای سهراب رستمیان بنامگانه مادرشان روانشاد فیروزه رستم سلی لرک به مبلغ ۵۰۰ دلار و ۱۰۰ دلار
- خانم دالی و آقای رستم شیرمردیان بنامگانه روانشادان مروارید جمشید پور شریف آباد و رشید شیرمردیان شریف آباد ۳۰۰ دلار
- خانم کتابون نجمی ۱۵۰ دلار

دلار.

- ۹- خانم فرشته یزدانی خطیبی برای فرودگ بنامگانه روانشادان دکتر هوشنگ خطیبی - محبوبه و خدایار یزدانی بیوکی و هماروانان ۱۰۱ دلار.
- ۱۰- خانم تاج اردیبهشتی برای سر سال روانشادان رستم منوچهر اردیبهشتی و منوچهر رستم اردیبهشتی ۵۰ دلار.
- ۱۰- خانم مهشید یزدانی برای سر سال روانشاد داریوش بهرام یزدانی ۲۰۱ دلار.
- ۱۱- آقای بیژن شایسته برای سر سال روانشاد لهراسب اسفندیار شایسته ۱۰۰ دلار.
- ۱۲- خانم پروین فرهنگی برای سر سال روانشاد اردشیر رستم فرهنگی ۲۰۰ دلار.

آیین پرسه

آیین پرسه روانشاد دکتر ایرج گشتاسب نقدی در تالار مروارید گویو این مرکز برگزار شد.

درگذشت این روانشاد را به همسر ایشان بانو پریش نقدی و فرزندان آرزیتا و آرش نقدی و خانواده و دوستان و آشنایان دل آرامی داده ، شادی روان آن زنده یاد و تندرستی و دیرزیوی بازماندگان را از اهورامزدا خواستاریم .

آیین پرسه روانشاد شاهجهان سروش کمدار در تالار مروارید گویو این مرکز برگزار گردید . درگذشت آن روانشاد را به همسر ایشان بانو پوراندخت غیبی کمدار و فرزندان کیانوش - بهنوش و ماهنوش کمدار و خانواده های وابسته و دوستان و آشنایان دل آرامی داده ، شادی روان آن زنده یاد و تندرستی و دیرزیوی بازماندگان را از اهورامزدا خواستاریم .

درگذشت روانشاد رستم دینیار جهانیان را به همسر ایشان بانو مهرانگیر جهانیان و فرزندان آرمیتا و آریاسب جهانیان و خانواده و دوستان و آشنایان دل آرامی داده ، شادی روان آن زنده یاد و تندرستی و دیرزیوی بازماندگان را از اهورامزدا خواستاریم .

درگذشت روانشاد کیوان کیامنش را به همسر ایشان بانو گیتی کیامنش و فرزندان میترا - شیرین و کنسی کیامنش و خانواده و دوستان و آشنایان دل آرامی داده ، شادی روان آن زنده یاد و تندرستی و شکیبایی بازماندگان را از اهورامزدا خواستاریم .

آیین پرسه روانشاد هرمزدار سروشیان در تالار مروارید این مرکز برگزار گردید . درگذشت آن روانشاد را به همسر ایشان خانم مهری مزدایی سروشیان و فرزندان ویستا و سامان سروشیان و خانواده های وابسته و دوستان و آشنایان دل آرامی داده ، شادی



بنامگانه روانشاد خداداد خسرو اردشیری ۱۵۰ دلار
 خانم مرواریدخرمی (عزتی) بنامگانه روانشادان همسر و خواهرشان آقای عزتی و
 پریدخت خرمی ۱۱۰ دلار
 آقای دکتر رستم ولی و خانواده ۱۰۶ دلار
 خانم ایراندخت جهانیان بنامگانه همسرشان روانشاد کیخسرو سروشیان ۱۰۲ دلار
 خانم مهرانگیز جم زاده بنامگانه روانشاد ناهید جم زاده (مرزبانی) ۱۰۱ دلار
 اسامی افرادی که ۱۰۰ دلار دهش نموده اند:
 بانو خانم شهزادی بنامگانه روانشاد موبد بهرام شهزادی
 خانم کیاندخت اشیدری
 خانم دلنواز حقیقی بنامگانه روانشادان کتابون هیرید مبارکه و رستم حقیقی
 بک خیراندیش بنامگانه شادروان رشید رستم شیرمردیان
 آقای منوچهر دهموید بنامگانه پدر و مادرشان روانشادان فریدون رشید دهموید و بانو
 ولی شریف آباد
 خانم شکوفه بلندیان و آقای شهریار زمردی
 آقای اردشیر مهرشاهی بنامگانه مادرشان روانشاد سمیندخت دهمری ۷۰ دلار
 خانم فرناز بهمردی بنامگانه روانشادان بهمن مهربان کیانپور، سرور باستانی و بهرام
 بهمردی ۷۰ دلار
 خانم شیرین فلفلی بنامگانه روانشاد جمشید رستم دهموید نصرآبادی ۶۰ دلار
 آقای رستم هورمزدی بنامگانه روانشادان مهربانو نوشیروان و خدامراد رستم
 هورمزدی مبارکه ۵۵ دلار
 یک خیراندیش بنامگانه روانشاد دکتر خرسند بمان بنداری ۵۱ دلار
 خانم گوهر پوروفاداری برای سلامتی افراد خانواده ۵۱ دلار



خانم پروانه نوش و آقای ارژنگ رشیدی بنامگانه روانشاد آرش کیخسرو جاماسب
 نژاد
 خانم فرزانه کاووسی (ثالث)
 خانم فرین و آقای روزبه کسروی
 آقای خدامراد آذر مهر
 خانم ماندانا جمشیدیان (دهموبدی)
 خیراندیشانی که مایل نبودند اسامی آنها به آگاهی برسد ۶ نفر بوده که در
 مجموع ۶۰۶ دلار دهش نموده اند
 از همه خیراندیشان و افرادی که برای برگزاری مراسم گهنبار زحمات بسیار زیادی
 می کشند، آرزوی سلامتی، شادکامی و دیرزیوی داریم.

اخبار سن دیگو

برنامه های برگزار شده در سن دیگو به شرح زیر میباشد:
 انجمن برگزار کننده گهنبار چهره پسته شهیم گاه بود که آقای دکتر موبد بانکی با
 آواز خوش اوستا خوانی کردند و در پایان با میوه و لرک و آتش از بهدینان پذیرایی
 گردید.
 برنامه کلاسهای آموزشی و دینی به روال خود در دومین هفته هر ماه برگزاری می گردد.
 برنامه گردهمایی آقایان در دومین دوشنبه هر ماه در رستوران سکوادرن برگزار می
 گردد.
 برنامه جشن نوروز در تاریخ ۱۸ مارچ در رویال ایندیا همراه موسیقی برنامه شاد
 و سرود کودکان ادامه یافت و با خوراکی خوشمزه ایرانی هندی از مهمانان پذیرایی
 شد. تعداد بهدینانی که در این جشن شرکت کردند به ۲۷۰ نفر رسید.
 برنامه دیگری که توسط انجمن سن دیگو برگزار شد پیکارهای والیبال می باشد که
 در تاریخ ۲۷ مارچ بود که این پیکارها به حالت دوستانه برگزار شد و بیشتر هدف
 آماده کردن تیم ها برای المپیک بود.
 خیر اندیشان که به انجمن یاری نمودند:
 رامین گشتاسبی ۲۰۰ دلار
 گشتاسب همسایه ۴۰۱ دلار
 رستم اختر خاوری ۱۰۰ دلار
 فریدون زندیان به نامگانه روانشاد مادرش ۱۰۰ دلار
 میترا جاویدان ۵۱ دلار
 آقای کسروی ۲۰۰ دلار
 ریتا و داریوش باستانی ۳۰۰ دلار

دهشمندان در مهر لس آنجلس - ولی

خانم فرنگیس جم زاده ۵۰۰ دلار برای گهنبار
 آقای فرهاد ارجاسی ۱۰۰ دلار برای گهنبار
 آقای مک کریمی ۶۰ دلار
 آقای جمشید شاهرخ ۱۰۰ دلار
 خانم پری گیو ۱۰۰ دلار
 ماهرخ و پریرز نامداری ۱۰۰۰ دلار

آیین پرسه

آیین پرسه روانشادان رستم آبادیان - کشور سامیا کلانتری - رستم جهانیان و کیوان
 کیامنش و یادبود بانو مهرانگیز شناسا و شیرین دستور خدایار زرتشتی در تالار شرکا
 و شیدفر ساختمان آبادیان برگزار گردید.
 روانشان شاد و یادشان گرامی باد

اسامی افرادی که ۵۰ دلار دهش نموده اند:

خانم سمین خرمشاهی بنامگانه روانشاد اسفندیار آذر مهر
 خانم فریده غیبی
 خانم کتابون گجگینی
 خانم فرشته و آقای رستم کسروی
 آقای مهربان دهمری و خانواده
 خانم شهناز یزدانی بیوکی و آقای ایرج بهمردی کلانتری
 اسامی افرادی که کمکهای غیر نقدی دهش نموده اند:



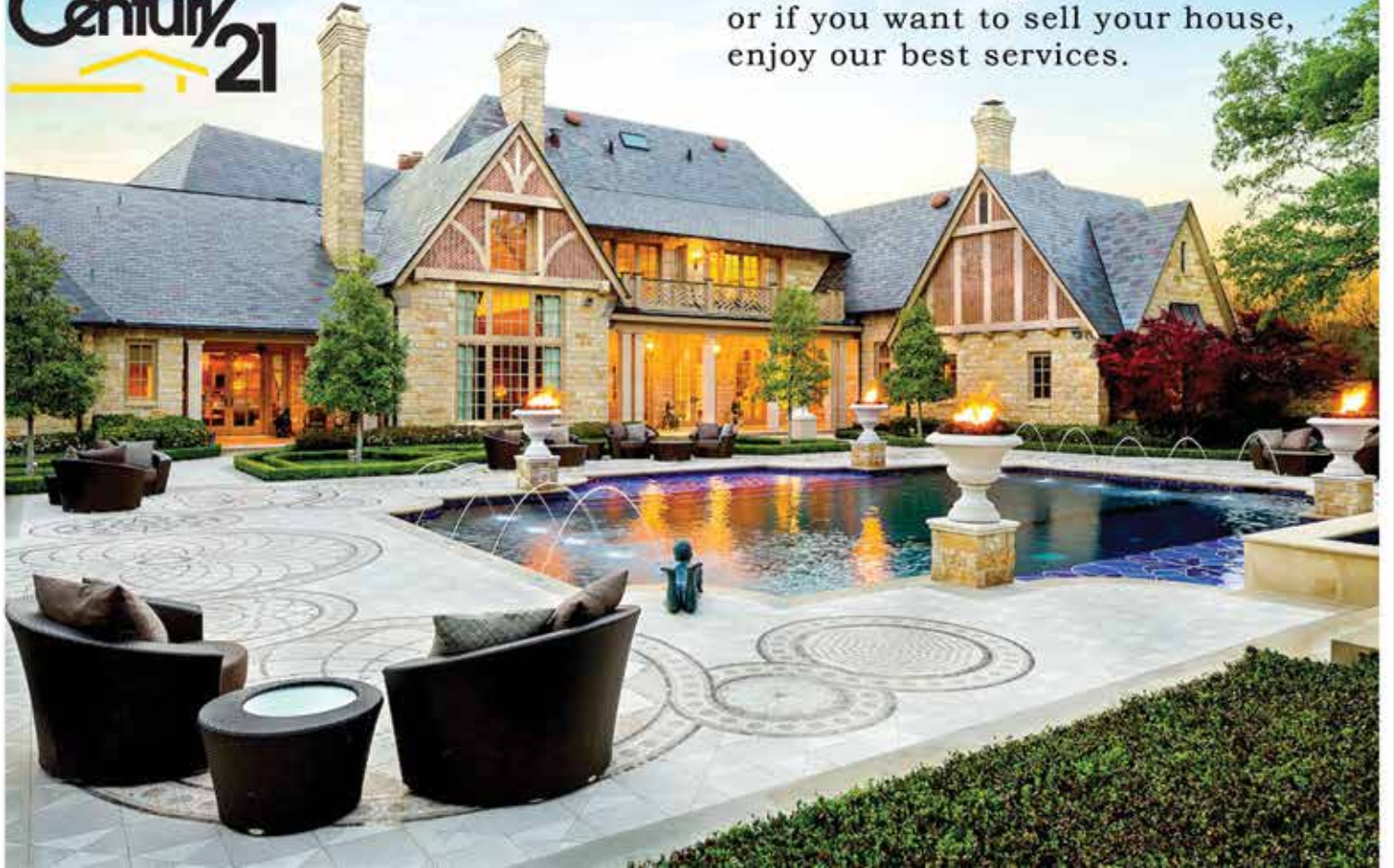
بهرام ایرانی

مشاور شما در املاک جهت خرید یا
فروش هر گونه املاک مسکونی ، تجاری
یا زمین با بهترین خدمات

Tel: (818) 645-3134
email: bahirani@yahoo.com

Century 21

If you are looking to buy a house
or if you want to sell your house,
enjoy our best services.



California Zoroastriann Center
8952 Hazard ave
Westminster, Ca 92683

Non-profit Org
U.S. Postage
PAID
Permit No. 12300
Huntington Beach, CA 92647

Chehreh Nama

Publication of California Zoroastrian Center



Vohu khshathra
Redefining Zoroastrianism

GATHAS

In the Persian side

MORGAN FREEMAN
"I didn't know anything about Zoroastrianism," the actor told TheBlaze. "That kind of shocked me, mainly because I didn't know anything about it and when I found out about it, I found out I was one of its followers"

Issue No. 178

June 2016

WWW.czcjournal.org

Editor's note :

Let's face it future of Zoroastrianism is in the hands of the next generation. It does not matter how passionately we feel about our own version of the religion. It matters not if we are liberal or orthodox, accept converts or not, have different interpretation of Gathas or consider Avesta more relevant. Our younger generation has traveled far and wide from their respective motherland with a completely different vision and mindset. Demographics have shown that the number of Zoroastrians under the age of 30 are few and far in between in Iran, India and Pakistan. They have migrated to the Western hemisphere in search of education, opportunity and frankly a chance to meet others in their age group without the scrutiny of someone telling them if they marry outside the religion they will be shunned. If this religion has any chance of survival it must be visualized through their eyes, emotions and logic. How can we reach them to make them see how relevant Zoroastrianism is to the 21st century? On this note our guest editor and her invited young writers explore how to translate Zoroastrianism so the younger generation remains engaged and passionate and sees the relevance.

We also explore the power of good leadership through Vohu Khshathra with Dr. Antia's article. It is appropriate to remind ourselves that it is important who we choose as leaders in an election year.

And we celebrate all of our graduates; it makes me so proud to see our very small community has so many young people who have been able to graduate or enter a prestigious university. To be selected in this competitive day and age to these very selective universities is no small feat and we celebrate all of them.

**Ushta,
Fariba**

Dr. Houshang Khatibi Academic Scholarship

In honor of ravanshad Dr. Housang Khatibi, Mrs. Fereshteh Yazdani Khatibi, her children, and her brother Mr. Shahbahram Yazdani-Beiooky have dedicated a total of \$15,000 towards scholarships for fifteen deserving Zoroastrian undergraduate and/or graduate students . Application Deadline is: July 31, 2016

Graphic Designer Keikhosrow Yektahi

Awarded for best director and best movie
in Iran animation festival (2010)

- * Business Cards & Logo Design
- * Letter Heads & Brochure Design
- * Photographer
- * E-mailer Design or Banner Design

Email: keikhosro_art@yahoo.com Tel: 949 2787675
Web Site: keikhosroart.wix.com/kaynew



California Zoroastrian Center
8952 Hazard Ave Westminster, CA 92683
Chehrenama's Email :
cninfo@czcjournal.org
Tel : (714)893-4737
Fax: (866)741-2365
czc publication's website :
www.czcjournal.org



You can now donate online to any czcpublication go to :
www.czcjournal.org and the bottom of the page you will see following
please consider donating to chehrehnama

Thank you
CZC will send you IRS accepted receipt for any amount of donation

Graphic Design & typesetting :
Keikhosrow Yektahi
Internet :
Ramin Shahriari

Editorial Policy :

The opinions expressed in articles we publish are those of the authors , and may or may not represent the views of the Editorial Board of Chehrehnama, or the Board of Directions of CZC
Chehrenama is a quarterly publication published in March, June, September and December

This publication is printed with the help of donation from Morvarid Guiv Trust

ChehreNama has implemented a guest editor for each issue of the journal. The guest editor and their invited writers will produce two or more articles focused on a topic of importance in the context of the 21st century and present the Zoroastrian perspective on it. In this issue we are pleased to introduce Dr. Mitra Dinyari Behmardian as our guest editor with her theme:

"Translating Zoroastrianism into modern day to engage our next generation"

"Translating Zoroastrianism into modern day to engage our next generation"

Dr. Mitra Dinyari

A well-known American actor recently announced that he thinks he is Zoroastrian.

Morgan Freeman has had an epiphany "in search of God". He has traveled the world exploring and experiencing many different religions. In order to produce his six series documentary on religions in search of God he has learned the specifics of Christianity, Judaism, Islam, Hinduism, Buddhism and surprisingly Zoroastrianism.

Morgan Freeman, who also played God in a couple of movies said "I found out that I'm Zoroastrian". This is not surprising if one focuses on Zarathushtra's message.

A simple yet profound message for humanity based on logic.

One scholar recently said:

"Morgan Freeman, who believes that man created God (rather than the other way round), has picked Zoroastrianism as his favorite faith. After all, we do not rely on supernatural forces, but choose what to do next — day to day, moment to moment —, and such a philosophical religion is most attractive to secular atheists in search of wonderment and awe."

I have been teaching Zoroastrian ethics at CZC for the past 10 years. The purpose of these teachings has always been empowering our new generation with knowledge, morality and a thirst for upholding equality and freedom in everyday life. The beauty of

The Gatha is in its simplicity and logic. I personally do not care if one is labeled as a Zoroastrian. Living an ethical life with the purpose of renewing this life in any shape or form and creating happiness that radiates excites me. My goal is to empower youngsters such as the two guest writers that graduated the CZC classes to have an opinion and progressing in this existence. Their opinion though different, matters and

is very promising. Ultimately Zarathustra's message is spreading and those who get it will live it. Among so many, one such person is Morgan Freeman and other two are Omid Mazdidasni and Shayan Mehrshahi who in their own ways get the message. Zarathushtra's message is simple, profound and quite attractive and if people are exposed to it more and more will follow its principles and that's simply awesome.



Dr. Mitra Dinyari has over twenty five years of experience in clinical and management pharmacology in hospital and retail settings. She received her Bachelors in biology from Georgia State University and her PhD in pharmacy from Mercer University. Born and raised in Iran, Dr. Dinyari has been an active leader in the Zoroastrian community throughout her life. She is passionate about Zoroastrian ethics and philosophy and teaches these values to the younger generation through her involvement with the Zoroastrian community in diaspora and particularly through active membership at the California Zoroastrian Center. Her guiding belief is that one's ultimate goal in life must be to strive to promote knowledge and happiness.

Expanding Our Zoroastrian Roots

By. Shayan Mehrshahi

For the first few years of my childhood, I did not understand the importance of attending Sunday youth class at the California Zoroastrian Center. However, now that I look back on my experiences, friendships, and where I am in life, I understand that this class was a critical component to my success. This is mainly because it gave me a sense of identity and made me understand who we are as Zoroastrians. I believe it is essential for the youth to be involved in the community in some way. The best ways to translate Zoroastrianism into the modern world so our future generation remains engaged and interested is to spread awareness about our religion, get involved, and develop new ways of communication for Zoroastrians across the world.

Ever since I was a little kid, I remember my parents always telling me how proud they are to be Zoroastrians. At that time I did not understand the value and importance of our precious religion but through personal experience I understood how it was a key component to my success. I would still not fully appreciate my religion if it was not for my parents' efforts to educate me. This takes us to the first point of translating our religion by spreading awareness to individuals that are seeking information. For example, my parents placed me in

Sunday school at the California Zoroastrian Center from the age 7 to 18, I graduated last year. At first, I did not want to attend and was not excited. However, I began to learn so much about the Zoroastrian religion and was amazed at how much I did not know. I soon was interested and glad to return every Sunday to learn more about our religion and expand on my education. In addition, I made new friends in class that will last me a lifetime. Because of this personal experience, I believe spreading awareness about our religion will open future generation's eyes about the important messages of Zarathustra. If I had not attended class and learned more about Zoroastrianism, I would not be the same person I am today. Therefore, if future generations are informed and well educated about how to incorporate the principles of Zoroastrianism, like good thoughts, good words, good deeds, they can make the best decisions in order to live happy and healthy lives. As a result, individuals are more likely to be interested and engage in the religion if the beliefs are benefiting that person to make the best decisions. Thus, it is important for future generations to influence and motivate their children to start learning about our religion from an early age so they are interested and are active members of the Zoroastrian community.

The second aspect that made me a stronger follower of Zoroastrianism is being involved in community activities. In my personal experience, participation was a major key to my further understanding and devotion to the religion. I frequently volunteered in community service activities with my youth class, which allowed me to get hands on experience and learn to use the principles of Zarathushtra in my daily personal life. This was a huge step because I learned how to incorporate what I learned in class and actually use this information to my benefit in life. These experiences of helping out the community by being involved gave me a happy feeling and made me proud to be a Zoroastrian. Therefore, future generations must be provided with opportunities to get involved with religious activities in order to have a stronger sense of unity and be engaged in the religion. By going out and volunteering with my fellow Zoroastrian peers, not only did I strengthen my friendships, but also spread awareness about our religion throughout the community. For example, when I was provided the opportunity to be in charge of our religions booth at the Irvine Global Village, I answered the public's questions regarding our religion and was a representative of our community. This event gave me the opportunity to expand on my knowledge about our religion and even spread Zarathustra's message to those who were interested. It was not important for me to convert others to our religion, just simply to inform them about the principles of Zoroaster in hopes that more individuals will use good thoughts, good words, and good deeds to make the community we live in a safer and better place. I am proud to be a Zoroastrian who is doing his part in the community and believe if other youth were to follow my footsteps, our

religion would have greater influence and strength.

In this day and age, all the youth are involved with social media and the online world in some way, which allows Zarathustra's message to be spread and further understood by a greater number of people online. A social media website, similar to Facebook, can be created in order to connect all the Zoroastrians together across the world and make them more interested and engaged in the religion. This is especially important for the youth that live in areas that are not highly populated with Zoroastrians. By having an online website to meet new Zoroastrians and communicate, everyone can be involved and learn no matter what part of the world they live in. This allows for new relationships to be made and only ones to be strengthened. In addition, Zoroastrian classes and information about the religion should be provided to online users to spread awareness of our religion.

Finally, being a strong follower and believer of the Zoroastrian religion will further translate Zoroastrianism into the modern world. When an individual truly believes in the religion and is dedicated in following the principles, then other members of the community are more likely to get influenced and do the same.

In conclusion, based on the principles of Zoroastrianism, I have chosen to view being a Zartoshti as a way of life and not necessarily a religion. I believe this because anyone can use their good mind and make the right decisions in order to make the world a better place. No matter what religion you believe in whether it is Christianity, Islam, Hinduism, or whatever, every human being can use the teachings and principles of Zarathushtra in order to progress and become a better person. I believe that if people just carried out three simple Zoroastrian teachings of good thoughts, good words, and good deeds, then our whole world and society would become a much safer and better place. Therefore, I am proud to be a Zoroastrian. I hope that every human being can use these principles in their daily life to become more successful and make the world we live in a better place.

Shayan Mehrshahi is a freshman at California State University. He is currently enrolled in the nursing program



and hopes to pursue his dream of becoming an anesthesiologist. He has been an active member of Zoroastrian community and has attended youth classes since the age of 7. He is proud to be a Zoroastrian and hopes other individuals can embrace the teachings of Zarathushtra.

Redefining Zoroastrians: An approach to engage the youth

By: Omid Mazdiyasni

I was asked "how to translate Zoroastrian religion into modern day so our next generation remains engaged and interested". But what is Zoroastrianism, and what are we asking our youth to get engaged and interested in? Zoroastrianism is currently considered a religion. I will argue that to keep the youth engaged and interested, we need to remove the label "religion", and realize it is rather a culture and philosophy.

Zoroastrianism is not like most other religions. The Gatha (Zarathustra's songs) do not mention any miracles, does not discuss the afterlife, does not require faith in something undetectable, and does not include absolute punishment. The Avestas, written by mobeds long after Zarathustra's death, highly influenced by other religions during that time (such as Judaism and Christianity), may mention some of the aforementioned, but we're Zoroastrian, so let's stick to the Gathas. The Gathas are a book of philosophy. It discusses human nature, ways to attain happiness, discusses the relationship between action and reaction, and is more similar to Aristotle's book *Nicomachean Ethics* (great book, highly recommended) than any religious, faith-based, holy book. The Gathas were derived from Zarathustra's logic, reason, morality and ethical beliefs, while other religions are based on prophecies and faith. The definition of religion on merriam-webster's dictionary is an "organized system of beliefs, ceremonies, and rules used to worship a god or group of gods. The definition of philosophy is "a particular set of ideas on knowledge, truth, the nature, the meaning of life, and how to live". Which category does Zoroastrianism fall in? Was the purpose of Zarathustra's writing of the Gathas to organize people based on a set of faith-based beliefs to worship a god, or was it to lay down a series of his own ideas about truth, nature, the purpose of life, and how to live? I argue that Zoroaster is largely different from Moses, Jesus, Mohammad, Buddha, etc. who got their energy and words from an external power, and he is highly similar to Aristotle, who also contemplated the questions of the purpose of life, and the best way to live. Therefore, I argue that Zoroaster's Gathas were far more similar to Aristotle's books, such as *Nicomachean Ethics*, Plato's books, Socrates's books rather than the Torah, Bible, or Quran.

Assuming the Gathas are a philosophical text, any person of any religion can follow the teachings of the Gathas. If a Muslim

agrees that happiness must be radiated, a Jew believes we must renew our existence, and a Christian believes that they should do the right thing because it is the right thing to do rather than for a prize from god, then a Muslim, Jew, and Christian can have a Zoroastrian ideology too.

Since we have established that Zarathustra was a philosopher, it seems almost silly to be a "Zoroastrian". We certainly do not see any Aristotlians, and we would consider it odd if someone said they were Platonians, so what is a Zoroastrian? Zoroastrians have a culture; they are a people that have a similar ancestry. They kept their beliefs and customs during the Arab invasion, and now they have their own customs, traditions, and holidays. They are Iranians who were less influenced by Islamic ideas, and kept some traditions from pre-Islamic Iran. I argue that Zoroastrians are a 'ghom', or ethnic group. I argue that Zoroastrians are similar to the Lors, Kords, and the Torks/Azaris. Like Zoroastrians, they have a set of traditions based on history. As Zoroastrians, we should consider ourselves an ethnic group rather than a religion, and the Gathas a philosophical text rather than a holy book.

The beauty of being an ethnic group is that there is no absolute right or wrong. Anyone can practice the beautiful Zoroastrian customs, no matter what their background or religion. Similarly, anyone can follow the enlightened philosophies of Zarathustra, no matter what their background or religion.

The way to engage the coming generations is to portray our culture and philosophy as such, rather than a religion. Religion has an illogical dimension to it, based on faith and fear, and is unappealing to the highly educated youth. If we bring our children up celebrating the holidays we celebrate, such as Mehregan, Sadeh, Tirgan, etc., they will grow to like it. Similarly if we teach Zoroastrian philosophy at home, teach that the proper way to live is through "good thoughts, good words, good deeds", then we will raise children with a Zoroastrian belief system. Maybe the name Zoroastrian won't stick, but the ideas, philosophy, and customs just might. And to me, that is more important than the label.



Omid Mazdiyasni

was born to Parviz Mazdiyasni and Mandana Pishdadi in Orange County, CA. He is the oldest grandchild of Ravanshad Jamshid Pishdadi, who was a highly known expert in Zoroastrian philosophy and religion. Omid has been an active Zoroastrian during his youth, attending religious and Farsi classes from age 5 to 18 and participating in various performances at CZC.

Omid received a Bachelor's of Science in Civil Engineering, a Master's of Science in Civil and Environmental Engineering, and is currently pursuing a Doctorate Degree in Civil and Environmental Engineering at the University of California, Irvine. He would like to thank his mother for her guidance, and for always challenging and encouraging him to think on his own. He also wishes to thank both of his parents for instilling Zoroastrian customs and traditions in him.

Engaging the next generation

By: Kimiya Shahzadi

Next gen, love being Zoroastrian!

I believe modern day Zoroastrians need to fall in love with being Zoroastrian.

We can fall in love with our beautiful religion, by feeling a strong sense of passion and pride from being intellectually convinced that the Zoroastrian way of life, is the best way of life. We can also fall in love with our religion by feeling a strong sense of belonging when around Zoroastrian people, and wanting to maintain those close bonds. Zoroastrians of the next generation with both these attributes, have the best chance at being engaged and interested in keeping the Zoroastrian faith alive and thriving.

Zarathustra's teachings are easy to intellectually fall in love with. The next generation of Zoroastrians just need enough interest to learn about them. If our youth have the interest and pursuit to learn about Zoroastrianism, then the wise teachings at the core of our religion can ignite their passion and intellectually engage them. Our beautiful religion is based on knowledge and goes hand in hand with modern day science. Its teachings are timeless because we have the choice to think for ourselves, use the power of our mind and all the knowledge we can find to decide what is righteous, and be responsible for our actions. Zarathustra's teachings advocated equality between men and women more than three thousand years ago and teach us to respect nature and preserve the environment.

Once we feel like we belong among Zoroastrians people, we will want to spend more time with them because it is a precious thing for us. Since we have so many similarities, we can form strong lasting friendships. When we find other Zoroastrians we like and enjoy being around, we will want to go to more Zoroastrian events, stay involved in the community, and do everything we can to support it and help it thrive.

Proposed Solutions

Parents should teach their children about Zoroastrianism as early as possible and take them to as many Zoroastrian events as they can attend. Furthermore, parents should try to learn about our Zoroastrian religion so they can teach their children. The better parents are at teaching their children about Zoroastrianism in a fun way, the more they'll learn and love our religion. Similarly, the more Zoroastrian events the next generation attend, the more likely they are to connect with people who share the same religion, culture, morals and values. Then they can form a strong group of Zoroastrian friends who frequently meet and plan fun, inspiring events.

I would strongly encourage the next generation to learn about Zoroastrianism from their parents, attend religious classes, ask questions and develop a passion to pursue learning more about our religion. It is just as important to encourage the next generation of Zoroastrians to attend Z camps, North American Zoroastrian Congresses, World Youth Zoroastrian Congresses, World Zoroastrian Congresses, Z Games, Return To Your Roots, Zoroastrian Associations at University, events held at the Dare Mehr and fun activities and trips organised by Zoroastrian youth.

Once we fall in love with being Zoroastrian and love being around Zoroastrian people, we will naturally be more interested in being involved with our religion. We are proud of who we are and treasure what we are part of. It is easy to see who is in love with being Zoroastrian. The people who are proud to say they are Zoroastrian to everyone in real life and show it on social media like Facebook, and are most consistently involved in Zoroastrian events.

Success story of next gen. Zoros in the Southern Hemisphere The 2015 World Youth Congress in New Zealand brought together more than a hundred young Zoroastrians from New Zealand and Australia. The young Z.s from these two countries really hit it off and formed strong and lasting bonds. The icebreakers, inspirational speakers, pool party, trivia, amazing race, talent show, New Year's party, and traditional night were great avenues that sparked these strong friendships. A few months later, we organised to catch up again in Byron Bay, Australia. We rented three houses on the beach to accommodate forty of us for three nights, and we had a lot of fun making, strong lifelong friendships. This fun trip brought the Melbourne, Sydney and Auckland Z. crews closer together and made us more united than ever. To give an indication of how close I mean, after Byron Bay, I had just missed two days of not reading the group chat, and I had a 1000 missed messages of pics, memes, running jokes, fun conversation, and kind messages for anyone's good news and birthdays. There's a lot of love between the next gen Z.s in the Southern Hemisphere, and I'd love to see more of it here and around the world.

I feel very optimistic about the next generation of Zoroastrians because with today's technology, we can easily communicate with one another and even travel across the world. With these tools, we can go to more Zoroastrian events, make more fantastic Zoroastrian friends, learn more about our religion, and fall in love with it. Let's stand together and take advantage of all these great opportunities that unite our next generation more than ever.



Kimiya Shahzadi

was born and raised in Melbourne, Australia. She graduated from the University of Melbourne with a bachelor's degree in psychology and economics. She is now doing her 4th year honors and working towards getting her PhD in Psychology.

The following article has been sourced from "An introduction to the Gathas of Zarathushtra, Editor Dina McIntyre 1989" with author's permission. For complete reference see original source.

God's Good Rule, Vohu Khshathra

By: Dr. Kersey Antia



Dr. Kersey H. Antia is high priest of the Zarathushti community in Chicago since 1977, and has served as an honorary priest for over half a century. A fully-ordained priest with the Best Boy medal and the Prefect Medal from the the M.F.Cama Athornan Institute in Mumbai, Dr. Antia studied religion and Avesta-Pahlavi under Dasturji Dabu, Mirza and other learned priests, and has won essay prizes from K.R. Cama Oriental Institute and other institutions since 1956, and Avesta-Pahlavi scholarships in college.

He has lectured widely and is author of numerous papers on religion and psychology. A clinical and management psychologist in private solo practice in Illinois, he is also affiliated with several hospitals. He is listed in several Who's Who and included in Outstanding Religious Personalities and Scholars of the 20th Century and others.

In his magnificent conception of God, Asho Zarathushtra also includes a unique vision of God's Good Rule (*Vohu Khshathra*) which he exhorts man to choose and pursue in this world, by good thinking, righteousness and piety (Y46.16).

It is hard to conceive that at a time when most of mankind tried to please the gods through human and animal sacrifices, Zarathushtra not only conceived of One God but also saw God and man in an active partnership. The best way for man to worship Mazda is to emulate him and help to establish His Good Rule on this earth. (Y28.3, Y30.7, Y47.1).

Even the later prayers seem to have preserved this notion. For example, in Hoshbam, one yearns to become one with the Lord (Hamem thwa hakhma). At the root of such a vision of God lies the origin not only of ethics but also of the dignity of man, humanitarianism, individual responsibility, freedom of choice, human rights and the like, which ultimately paved the way for modernity. Yasna 29 well illustrates this point. There we learn that this world had slipped into such a sorry state of sordidness and evil that good thinking (vohu mano) recommended Zarathushtra to exhort man to be Godlike and thereby defeat evil. Zarathushtra promises the reward of Good Rule to such men (Y29.10). Man's purpose on this earth is to imbibe God's divine qualities and become an active ally

(Hamkar) of God. Nowhere is this message so clear as in Y34.1:

"By whichever action, by whichever word, by whichever worship, Wise One, Thou didst receive for Thyself immortality, truth, ... [dominion and] completeness, let these very things be given by us to Thee, Lord, in the very greatest number." (Y34.1).

The same sentiment is also echoed so well in Y34.2, Y47.1, and Y51.21. As Professor James Russell wisely contends: "It is from these original declarations, possibly the most momentous in human culture, (for it is from them that the noblest ethical systems and concepts of human rights and law seem to bear their imprint) - that Zarathushtra should be called by all good men OUR prophet."

Concept of the Amesha Spenta

It is hard to unlock all the treasures of the Gathas as they are like a hidden treasury with keys missing. One of the most difficult concepts to decipher is that of the Amesha Spenta (Benevolent Immortals) and why Zarathushtra found it so basic to his philosophy. He talks of them as separate entities as well as abstract qualities. He addresses Mazda himself as a single entity and also as a plural being. No one can claim to speak with certainty about this (or other things about the Gathas), but it seems to me that when Zarathushtra addresses Mazda in the plural, he is referring to all the Amesha Spenta, attributes of Mazda as they have become hamem thwa hakhma -- one and the same with the Lord.

The seven Amesha Spenta are like the seven colors of the rainbow -- they may be separate but they are part and parcel of the same phenomenon. Like the colors of the rainbow, if you merge them together, they form one entity -- white light -- spenta mainyu, which may represent the divine essence of all the seven Amesha Spentas.

Khshathra is no exception to this rule. It is a distinct, separate attribute or aspect of Mazda and yet it is not possible to conceive of it in the absence of the other Amesha Spenta. Yasna 47.1 which is the only place in the Gathas where all the Amesha Spenta are mentioned together in one verse emphasizes their interdependent nature. One attains Good Rule only by being Godlike in every way.

In this respect, it makes little sense to determine the status of an Amesha Spenta by the number of times it is mentioned in the Gathas, as is so often done. The importance of an Amesha Spenta lies in the fact that the divine quality it represents is necessary for man to emulate, to become divine himself.

Zarathushtra realized so well the limitless love of God for man and His eternal effort to help man realize his Godhead (hamem thwa hakhma) that even when he personally saw God as a single entity, as "*the First One in the creation of the world*" (Y43.5), he saw Him accompanied by such Amesha

Spenta as Truth (asha) and Good Thinking (vohu mano). For Zarathushtra to see and realize God is to see and realize Him in all His beautiful rainbow-like glory, because no one attribute could fully describe Him. He explained this vision in the concept of the Amesha Spenta and used it to its fullest to exhort man to be God-like by developing the divinity in him and qualifying for "the best existence" forever.

To be God-like in the exercise of power is particularly difficult for man, because power corrupts him so easily. But without attaining this goal, man cannot expect to attain piety and Godhead. An entire Gatha, Yasna 51, therefore has been devoted to Vohu Khshathra, which is somehow not done in the case of the other Amesha Spenta, if we do not include Spenta Mainyu among them.

Vohu Khshathra Gatha.

In this Gatha Zarathushtra emphasizes the realization by man of the divine essence of God on this earth (Y51.2). Man must actively choose Good Rule for the spiritual progress of the world, which will lead mankind to the highest good and the most fortunate existence (Y51.1). For this to happen, man must make the right choice (Y32.2) and become "Mazda's envoys forever" (Y49.8). For this reason, I very often regard Zarathushtra's religion as the Religion of Right Choice. Good Rule has to be actively chosen and sought by man, even as one has to choose the prophet himself.

Zarathushtra does not talk about the need for making a choice for the sake of making a choice but for the sake of establishing Good Rule (Y51.1). Therefore, he talks about those righteous persons who actively work for the Good Dominion (Y51.8-15), including those who helped him in his own lifetime to spread his divine message (Y51.16-19).

Yasna 51 ends as beautifully as it begins, even though it is translated and interpreted differently by different scholars.

"I know in whose worship there exists for me the best in accordance with truth [asha]. It is the Wise Lord as well as those who have existed and (still) exist [namely the amesha spenta]. Them (all) shall I worship with their own names [that is, I shall worship truth, asha, with truth, good thinking, vohu mano, with good thinking]. And I shall serve them with love."

In this translation, one finds the emphasis on worshipping each of the Wise Lord's Amesha Spenta attributes.

Many scholars however see in this verse, Y51.22, the origin of Yenghe Haatam, our third most important prayer and

translate it differently.

"The Wise God knows best any person of mine for his or her veneration done in accordance with righteousness. I shall, on my part, venerate such persons, passed away or living, by their names, and shall lovingly encircle them."

No two scholars tend to agree completely in their interpretation of the Gathas, yet such is their beauty that each interpretation still remains steeped in spirituality, even as it is cloaked in mystery so difficult for even the best scholars to unravel. Like those Rorschach ink-blots, one tends to interpret the Gathas in terms of one's own past conditioning and mind-set. My own conditioning



leads me to believe that Y51.22 refers both to the Amesha Spenta, and to those human beings who have realized their essence in their lives, thus becoming worthy of our adoration and emulation, for they have fulfilled what Y51.1 expected of them by choosing the Good Rule. Thus Yasna

51 both begins and ends with the emphasis on man as an instrument of divine will and power on earth. Man can realize the divinity in himself by following the precepts in and finally himself could become worthy of adoration as any amesha spenta, being revered individually by name, as we always do in all our prayers for the departed because each Zoroastrian is expected to fulfill this goal in his or her lifetime. Such an interpretation of is lent credence by the fact that originally amesha spenta meant any person, alive or deceased, who had attained perfection and immortality.

Vohu Khshathra in Actual Practice

The Good Dominion envisioned and preached by Zarathushtra 3,000 or so years ago is the vision of a perfect



world. One finds echoes of it in the Bible, the Koran and even in the texts of Mahayana Buddhism, Ramayana and Gita. The echoes of this vision for the Good Rule are found in the rock inscriptions of Achaemenian kings who led the way for religious tolerance and human progress some 2,500 years ago. The echo of this vision was felt even by Firdausi, who made his entire epic, the Shahnameh a monument to the concept of Good Rule by depicting it mainly as a chronicle of good versus bad rulers. This is not to say that the Zoroastrian kings were always exemplary rulers but Zarathushtra's vision of Vohu Khshathra always provided them with an inspiration to be exemplary rulers. Firdausi best expresses the sentiment of the Gathas when he maintains that "King Faridun was not an angel adorned with musk and perfumes, but he obtained righteousness by justice and charity, and if you guide yourself by justice and charity, you could also become (an angel like) Faridun." So forceful is the influence of ideas.

By revealing to mankind ideas and words never spoken before (Y31.1) by anyone, ideas which later infiltrated into Judaism, Christianity, Mahayana Buddhism, Mithraism, Manichaeism and through the Greeks, into European traditions, Zarathushtra was the first known prophet to lead mankind into such noble and spiritual concepts, not the least of which is Vohu Khshathra.

It is only when man will overcome all the evil within himself and in this world that such a kingdom will come. If in the meantime we suffer, it is because we are not yet heeding Zarathushtra's advice in bringing it about.

According to E. Kulke, Mary Boyce, and Duchesne Guillemin, it was this latent tendency to work for the renovation of the world and Good Rule that, instinctively drove the 19th century Parsis to work towards industrial revolution, political independence, social and educational reforms, labor and social welfare and other progressive causes, although there were no translations of the Gathas (or any other religious texts) available to them then. Kulke was surprised not only by the extensive charities of the Parsi baronets and industrialists, but also by innumerable small benevolent acts of unknown Parsis, such as, for example, one Mr. Cama who awarded prizes for the best essays on small-pox in the 19th century and distributed them free wherever small-pox was raging in India. Such selfless human acts and the willingness of man to help his fellow-human beings will ultimately ensure the establishment of God's good Kingdom on this earth. Let us all work towards that goal.

Editor's Note: Chehre Nama will be featuring a column to honor contemporary Zoroastrians who are exemplifying the message of Zarathushtra through their deeds and who have initiated notable and sustained acts of reaching out and helping humanity at large during these turbulent times. These individuals have been able to rise above self-interest and reach out to those who are vulnerable and need a helping hand.

Building a Z. Community Yasaman Farin



The year was 1978, the beginning of Islamic revolution in Iran. War was forced upon the public and parents were petrified of losing their children to the frontline of war. Zoroastrian parents desperately used any tool at their disposal to send their children abroad. A handful had the financial means and the luxury to migrate as a family and the rest had sent their young all alone to the vast expanse of North America.

Orange County, California had a small Z. community with a few families in the late seventies. Thanks to the tenacity of a hand full of ladies under the leadership of the late Mrs. Farangis Shahrokh they had activities including Avesta classes and entertainment for children at one of their homes. With the influx of more immigrants they saw the need to organize a day trip to Big Bear including transportation for the youth. They asked me and a couple of others to help them with this plan. Back then our only form of communication was word of mouth; no social media, cell phones or Facebook events existed. Miraculously the news of that event reached far and high and I vividly remember that the bus, which met in front of the Federal Building in Los Angeles, was filled to capacity.

That bus has continued on its mission in one form or another over the years. The fire that was lit that day has been burning since; the driver has changed, the passengers have unloaded and new ones boarded but nonetheless the goal of unity remains. That one day winter trip sparked an interest in the fragile psyche of the youth in attendance and we recognized the need to connect. Following that outing we started reaching out and having small events at each other's homes and apartments. CZC board heard about our events and asked us to make this an official community gathering instead of a private event. They suggested we form a CZC youth group.

That was a tough time for me as I was working full time and going to college in the evenings, but something inside told me that

this was the right thing to do. During the first couple of years, all our energy went to having gatherings and increasing interest. Later we wrote bi-laws and had elections every two years. As our goal expanded, we began educating this new generation to gain knowledge of Zoroastrianism.

After few years there were more Zoroastrian families with young children in Orange County. California Zoroastrian Center got a location to call home when the late Rostam Guiv provided a house in Anaheim to be used as official CZC headquarters. We began having some of our events there and others still in Los Angeles at various locations. Not having the advantage of today's communication technology meant it took a lot more time and effort to reach every one. When we want to plan a disco night or a game night we had to look for places where they might have a rec. room to rent for a few hours. Among our many events were poetry night, disco nights, picnics, weekend trips, camping, religious education, debates and group sedreh poushis. We also were assisting CZC in all the formal "Jashn" organization and entertainment. Bear in mind that we had minimum budget and keeping the cost low was a top priority.

Our first formal event was hosting Mehregan at Odyssey Restaurant. Many hold memories of that night to this day. As the community grew we pioneered the induction of the Yellow page directory which continues today by others who followed us. With today's technology there may no longer be a need for a paper directory but during the eighties it was a monumental communication device.

9 years had passed and it was time to step aside, pass the torch to fresh perspectives and younger ideas and move on. Around this time a few friends approached me to join them in forming a sport committee (ZSC) to host Zoroastrian Olympics. I accepted and we became the first board of directors for this group. This was yet another tool to bind our fragile community together beside entertainment and education.

The games were to be held every two years and over the years more variety was offered. These events had amazing success and it was a special joy to see children and adults participate from many countries. These games created a global network of young Zoroastrians in North America where many friendships, memories and bonds have been created.

Among other activities I joined was publication of Mantra journal every three months. We gathered articles while we met at each other's homes. This publication was made possible by funding from Morvarid Guiv Foundation for many years until the funding was no longer sustainable.

In the late nineties I joined in organizing one day educational seminars under the umbrella of California Zoroastrian Center. We invited scholars, professors, and speakers to spread the message of Zarathushtra.

Reflecting back on all that we accomplished for 2 decades I am proud to say I was never alone. It takes a good idea and a willing group of selfless people who won't give up and together we can reach the far ends of the earth. Community work is hard and at times heart breaking but it is also full filling and self-satisfying. The feeling of selflessness and putting the welfare of your society ahead of your own is very rewarding and a feeling everyone should experience.

GATHAS

CAN MAKE THE WORLD A BETTER PLACE

By: Fariborz Rahnamoon

Every human being who aspires for the Ultimate Truth and is interested in progress, with peace, justice and prosperity; towards a heavenly life on this very planet Earth, needs to understand and be inspired by the GATHAS of Zarathushtra.

Every scholar and every researcher needs to understand the Gathas so that their research does not create a Frankenstein like the Atomic Bomb or be an agent for Global Warming.

Every businessperson needs to understand the Gathas so that progress and perfection, not wealth, becomes their premier goal.

Every Politician needs to understand the Gathas so that they create the environment for their nation to become righteous and a breeding ground for progress towards perfection.

Every leader, small or big, needs to understand the Gathas because a good leader makes a big difference in the life of the followers and the future of the world. The Gathas will help everyone make a positive difference.

WHAT IS THE GATHAS

The Gathas are the teachings of "Zarathushtra", the Sage, the intellect, the greatest teacher the world has ever known.

The Gathas are in the form of poetry and reveal the truth, the absolute truth, the truth that is all around us but we are so disorientated that we do not see, and when shown, we prefer not to believe.

The Gathas are the only ancient wisdom that can solve human problems and elevate human life to a higher level of existence in a practical way, without sacrifice, without penance, without rituals, without hoping for supernatural intervention but by knowing oneself, by Self-Realization (Khod-Ah) and having confidence and belief in oneself.

WHAT DOES THE GATHAS TEACH

The Gathas reveals the Truth, analysis it, and shows the way to progress towards a better life, the best life, "Be-hest" a heavenly life.

The Gatha requires its followers to use their Wisdom, to explore, to invent, to progress and not be bogged in traditions. The theme word Wisdom 'Mazda', appears 164 times in the Gathas the highest number of times a conceptual word has been used.

The Gatha starts by seeking perfect-ness of the mind, Wisdom, Mazda.

The goal is, to harmonize the human spirit with the universe and progress towards Perfection. The reward is Immortality (Amordad) by being remembered in the collective memory for generations.

This I seek with reverence
With uplifted hands
The perfect-ness of the mind, Wisdom (Mazda)
The first good rule to Asha is
All should aspire to make
Good use of the wisdom in the mind
To create harmony between the universe
And the inner-self.
Zarathushtra – Gatha – Yasna 28.1 (FR)

The next step is (to make use of the wisdom) to acquire the "Wisdom in Creation" and gain control over the physical and the mental forces and become enlightened.

Certainly, I shall acquire
The Wisdom in Creation
Through Good use of the Mind
I shall master the dual forces
Physical and Mental
Through Knowledge
Whereby desiring, and achieving enlightenment.
Zarathushtra – Gatha – Yasna 28.2 (FR)

The first five Eternal Laws (Amesha Spentas) are outlined in the next verse. Use the good mind; understand "Asha" the truth, the laws of nature, the laws of the universe. Then with it make good rules, give good guidance, making sure they are in tune with Asha, the laws of nature. Such rules will never wane and will increase righteousness and lead us towards perfection.

Truly, the Asha (Truth) derived (2)
By the good mind (1)
Never before known
Among the wise and in the universe
With it, make good rules, never waning (3)
Increasing righteousness (4)
Leading us towards Perfection (5)

Zarathushtra – Gatha -Yasna Ha 28.3 (FR)

The human mind, the mental force, has a spiritual component, the “urvamem” the inner-self. This spiritual part of the mind derives satisfaction when there is harmony between the thoughts and the laws of nature, the ‘Wisdom in Creation’. The result is good deeds, good products, and good creation. This is an ongoing process and as long as each one of us has the strength, we should strive for the truth, and teach others to strive for the truth.

Truly, the spiritual result is high (when)
Goodness leads to harmony in thoughts
Which result in good deeds
In tune with the Wisdom in Creation

As long as I have strength
So long will I teach to strive for Truth
Zarathushtra – Gatha -Yasna Ha 28.4 (FR)

Every person, who derives the truth, has a duty to pass on the knowledge, to those who do not know, and thereby keep the process of progress continuous. An important point is that the information is not to be forced upon others but be passed on by speaking. Persuasion and not persecution is the mode of passing on the message and showing the path of progress.

Asha when you gain
With minds good use
Having realized wisdom
The path to creation (righteousness)
The ultimate message of Wisdom
Through words excellent
We shall turn (convert)
Those who do not know
(With tongue) By speaking
Zarathushtra – Gatha -Yasna Ha 28.5 (FR)

It is a common belief that natural calamities are the work of God. Insurance companies will not pay claims related to an Act of God. The Gatha makes it clear that God is not to be blamed for them.

It says; the laws of Nature - Asha - can also bring about disaster, it is Nature taking its’ natural course that causes disaster. We do not have to give up and accept the it as the wish of God. Instead, we should use our mind and find a way to stay out of harm’s way, while nature takes its course. That mind is the best that gives good guidance to survive in such situations. Like the Japanese, who have acknowledged that their land is earthquake prone and so have designed their lives in such a way that they can withstand the earthquakes

without loss of life. The Japanese are worthy of praise as per the Gathas.

These, you, not Ahura Mazda
Asha also brings fury

Mind also is the best
That which strives' to give good guidance
For you to be worthy
Mighty, satisfied, also worthy of praise
Zarathushtra - Gatha - Yasna HA 28.9 (FR)

About creation, the Gathas draws our attention to the fact that everything that is created was first a thought. Therefore, we should keep our thoughts good and in tune with the Wisdom in Creation. The fact is that we may have many thoughts but only those that we discuss and talk about them with others that become reality. Therefore, we need to declare only our good thoughts through good words, so that we end up doing good deeds and creating good products. While theologians are still looking for the secret of creation, the Gathas has not only revealed it but also given guidelines to avoid creating a Frankenstein.

The Wright brothers though of flying, they studied nature discussed it, designed, and created a flying machine in the shape of a bird. Then somebody had bad thoughts, it was not in tune with nature, but they discussed it and loaded the planes with bombs. That is why there is the maxim GOOD THOUGHTS, GOOD WORDS, GOOD DEEDS. Avoid converting your bad thoughts into words.

Truly with these facts
We shall keep our thoughts good forever
In tune with the Wisdom in Creation



I instruct that
You all declare your mind's findings
Through the word of mouth
Whereby creation first comes into being
Zarathushtra - Gatha - Yasna 28.11 (FR)

This is just the beginning of the Gatha simple but full of Wisdom.

The Gatha has passed the practicality test in history, but has failed against the dark force in human nature, that desire and conquer the human imagination and enslave the human spirit, by making it believe in supernatural forces and not see the plain truth. The Gathas require the use of "Wisdom" "Mazda" but it is easier not to use it. The opposing path - Religion - offers the opportunity; it banishes those that use their wisdom. Adam and Eve were banished from Paradise for eating from the "Tree of Knowledge".

Zarathushtra makes it clear in the Gathas, as to what to expect from the Gathas. He says he is going to speak of the high quality of wisdom that is desired by the wise, about the creative qualities of the mind, and its good creations, about Asha and its powers. The aim of all these is to help everyone progress towards perfection. Perfection is the foremost aim of Zarathushtra in his Gathas; Perfection is an ongoing process each generation improving on the previous.

Now of these shall I speak to those eager,
That quality of wisdom that all the wise wish
And call creative qualities
And good creation of the mind
The all-powerful Asha (Truth)
Truly and that more & better ways are discovered
Towards perfection
Zarathushtra - Gatha - Yasna 30.01 (FR)

The road to perfection is varied; every person has to choose his own path. To do that one has to listen to the best with an open mind and from among the hundreds of paths (NOT TWO) choose that which your heart desires. Every human being has a natural ability and liking for something, provided that is honorable, good and beneficial one has to choose the best course and progress on that path towards perfection. Like, an artist can achieve perfection in his art and so can a doctor, an engineer, or a farmer achieve perfection in what they do. People who enjoy what they do are those that are more successful.

Listen with your ears to the best
Consider with open mind
Among the paths before deciding

Person by person for his own self

Before greatness of this message
Is truly spread understand each one
Zarathushtra - Gatha - Yasna 30.02 (FR)

The path to Perfection, Immortality and Spirituality is derived from the Gathas (HA28.3 & 4) and tabulated as the 'Amesha Spentas' 'Eternal Laws'.

- 1- Use your Good Mind to
1-(Vohu Mana)-Bahman
- 2- Derive the truth in Asha
2-(Asha Vahista)-Ardibehest
- 3- With it make Good Rules never waning
3-(Khas Atra Vairya)-Shahrivar
- 4- Increasing Righteousness (Lawful Desire)
4-(Spanta Armaity)-Espand
- 5- Leading us towards Perfection
5-(Hurvata)-Khordad
- 6- Person who achieves perfection is Praise Worthy (Immortal)
6-(Ameretata)-Amordad
- 7- Such a person is in tune with the Wisdom in Existence
And becomes one with the CREATOR of Wisdom.
7-(Ahura Mazda)

Through Self Realization KHOD – AH

These seven laws are symbolized on the Now Ruz table, at Gahanbars by the seven dry fruits in the 'Lork', in every Jashan prayers by the seven fruits (Vardin). How enlightened it would be to name the seven days of the week with the Amesha Spentas to remind us of our path in life.



Fariborz Rahnamoon was born in Yazd; he was educated in a catholic school in Bombay, which led him to research his own religion at an early age. He has a unique perspective on the Zarathushti religion and history, which is a result of over 40 years of research. He says; "the Zarathushti history that has come down to us has been written by its adversaries over the last 2000 years and the

Avesta has been deciphered and translated by Western scholars thereby leading us astray." His finding and views are available on his website. www.ancientiran.com
Lately he is working on the MazdaYasni calendar based on the "Bundahishn" that is recognized as "the most accurate calendar from the 2nd millennium BCE that does not need any adjustment for 110,000 years". You can check it out at <http://zarathushticalendar.com/>

ZARATHUSHTRA: Prophet and founder

By: Hannah M. G. Shapero

The name of the founding Prophet of Zoroastrianism is not Zoroaster, which is a Greek transliteration of the name, but Zarathushtra, which means, in ancient Iranian, "yellow camel." (zara = yellow, ushtra = camel). An alternate reading is "old camel." Animals such as camels and horses were essential and even sacred to the people of Zarathushtra's age, and thus a name containing one of these animals marks a person as important. A similar naming practice occurred among the ancient Greeks where names containing "-ippos" or horse denoted high birth - such as Philippos (lover of horses), Aristippos (best horse), or Xanthippos (yellow horse).

The later Zoroastrians, perhaps embarrassed by their prophet's primitive-sounding name, said that the name meant "Golden Light," deriving their meaning from the word zara and the word ushas, light or dawn. There is no doubt about Zarathushtra's clan name, which is Spitama - perhaps meaning "white." Zarathushtra's father was named Pouruchaspa (many horses) and his mother was named Dughdova (milkmaid). His birthday is celebrated on March 26, as part of the Iranian New Year Festival.

No one knows where or when the Prophet was born. Some legends place his birth in western Iran, perhaps near Tehran; others, which are somewhat more likely due to the eastern Iranian language of his poetry, place his birthplace in the east. As for the date of his birth, it has been since ancient times a matter of controversy. Greek sources placed him as early as 6000 B.C., a reckoning derived from poorly transmitted Zoroastrian legends; few if any scholars take that date seriously. The traditional Zoroastrian date for Zarathushtra's birth and ministry is around 600 B.C. This is derived from a Greek source that

places him "300 years before Alexander" which would give that date; other rationales for the 600 BC date identify the King Vishtaspa of Zarathushtra's Gathas with the father of the Persian King Darius, who lived around that time.

As the linguists of both Europe and India worked on the Gathas, however, it became clear that the language of the Gathas attributed to Zarathushtra was far older than the language spoken in Iran at the time of King Darius' father. Gathic Avestan was very close to the Sanskrit of the Indian Rig-Vedas, which can be dated from the period 1500-1200 BC. This would mean that Zarathushtra lived far earlier than the "traditional" date. Some scholars have said that the 600 BC date is still plausible if Gathic Avestan was actually an artificially preserved sacred language, somewhat like Latin, which continued in literature and rituals thousands of years after it had ceased to be spoken.

Recent work by Martin Schwartz and Almut Hintze tends to discount this theory, as the linguists show that the Gathas are not the work of an academic writing in a dead language; they show all the signs of poetry composed and recited in an oral tradition, similar to the heroic poetry of Homer or the Rig-Vedas. These studies would confirm the earlier date for Zarathushtra.

The problem of Zarathushtra's time will never be solved, unless some improbable archaeological find turns up. Most scholars agree on a time-frame for Zarathushtra which could be as early as 1700 B.C. or as late as 1000 B.C.

Zarathushtra received his prophetic calling in about his thirtieth year, in which he envisioned God through Vohu Manah, or "Good Mind." His prophecies were not foretellings of the future, but prophecy in the sense of the later Hebrew prophets: revolutionary messages of religious purity and social justice, speaking out against corrupt priests and potentates.

There is very little biographical material in the Gathas. What is there indicates that Zarathushtra was cast out of his original home, wherever that was, and forced to wander, along with his followers and their animals. Yasna 46 begins with a sad verse about this:

"To what land should I turn? Where should I turn to go?"

They hold me back from folk and friends.
Neither the community I follow pleases me,
nor do the wrongful rulers of the land...
I know... that I am powerless.
I have a few cattle and also a few men."
(Jafarey translation)

He and his followers wandered until they found a sympathetic friend in King Vishtaspa, who was not the father of King Darius but an earlier ruler of the same name, who may have lived in eastern Iran or in Bactria, modern Afghanistan. There, Zarathushtra won over the king, and his court, and became the court prophet.

According to the Avesta, Zarathushtra married one of his disciples, Hvovi and the couple had six children, three daughters Freni, Thritha and Pouruchista, and three sons Isatvastar, Urvatat-nara and Hvare-chithra,. He mentions Pouruchista, the youngest daughter in his Gathas who is reported in the Pahlavi literature to have married Jamaspa, a highly learned top courtier of King Vishtaspa. The Avesta, particularly the Gathas, show that he succeeded Zarathushtra as the Top Teacher.

There is no exact or provable information about Zarathushtra's life at court, though it may be assumed that it was here that he composed the Gathas, and the names of king and court appear in the poetry as if, in oral recitation, they were there listening to him. The prophet may have spent almost three decades there, before his death at age 77.

Again, no one knows how Zarathushtra died. Many legends, and Zoroastrian tradition, say that he was killed, while praying in the sanctuary, by a foreign enemy of the king. But there is no holiday commemorating the martyrdom of the Prophet, as there would be in other religions (Christianity, for instance) and other Zoroastrian traditions, and scholars, say that Zarathushtra died peacefully.

One of the controversies about Zarathushtra concerns whether he was a priest. He did not live in a religious vacuum, but was born into a society that practiced the polytheistic rites of ancient Indo-Iranian religion. This religion already had a well-developed system of priesthood and service. In one verse of the Gathas (Y,33, 6) Zarathushtra calls himself a "zaota" which in later Zoroastrian usage is the word for officiating

priest. The word, though, literally means "invoker" and both Taraporewala and Jafarey translate it simply, claiming that Zarathushtra never meant to call himself a priest. It is very possible that Zarathushtra, if not a priest, had priestly training (how else would he know the highly technical spiritual language found in the Gathas, as well as the ability to compose philosophical/religious poetry?). Other Zoroastrians, including more traditionally minded ones, say that Zarathushtra was indeed a priest and the first of the millennia-old tradition of Zoroastrian ritualizing priesthood.

In the later Avesta, Zarathushtra is used as a character in dialogue with Ahura Mazda; he is featured in ritual texts and in law- texts, and great amounts of ritual and doctrine are thus attributed to him, whether he was their originator or not. In much later Zoroastrian traditions, some of which were not recorded until centuries after the Arab conquest, the life of the Prophet abounds with miracles and divine interventions. His mother glowed with the divine Glory usually reserved for kings; the soul of the prophet was placed by God in the sacred Haoma plant (which Z. condemned in the Gathas) and the prophet was conceived through the essence of Haoma in milk (though the birth is not a virgin birth, but the natural product of two special, but earthly parents.). The child laughed at his birth instead of crying, and he glowed so brightly that the villagers around him were frightened and tried to destroy him. All attempts to destroy young Zarathushtra failed; fire would not burn him nor would animals crush him in stampedes; he was cared for by a mother wolf in the wilderness.

He spent years in the wilderness communing with God before his first vision, in which Vohu Manah came to him in the form of a huge Angel. All the heavenly entities, the Amesha Spentas, instructed Zarathushtra in heaven, and he received perfect knowledge of past, present, and future. Zarathushtra's preaching to King Vishtaspa was enhanced by miracles, especially the healing of a paralyzed horse that convinced the king to accept the new religion.

Most of these motifs are familiar from the lives of other culture heroes such as Romulus, Moses, and Jesus. Whether any of this literally happened is a matter for

belief, not scholarship. Tradition-minded Zoroastrians do accept these legends as truth about Zarathushtra. Other, more modern Zoroastrians, who rely more on the Gathas as a scriptural source, discount the legends as pious fantasies, noting that there are no miracles or supernatural interventions in the Gathas.

Unlike Mohammed's recitation of the Koran, the Gathas of Zarathushtra are not "channeled" - that is, the Gathas are regarded as the inspired composition of a poet-prophet rather than a text dictated by a heavenly being. Zarathushtra was inspired by God, through the Bounteous Immortals of Vohu Manah, Asha, and the others - but he was not a passive recipient of the divine wisdom. In accordance with Zoroastrian philosophy, he reached God through his own effort simultaneously with God's communication to him.

Zarathushtra was never divine, not even in the most extravagant legends. He remained a man like all others, though divinely gifted with inspiration and closeness to Ahura Mazda. His life is an inspiration for Zoroastrians of all persuasions, traditionalist and modern - in his innovation, loving relationship with God, and spiritual courage he is a model for all his followers. After his death. Zarathushtra's great soul attains almost the level of a Bounteous Immortal, but still is not merged in the divinity.

Ever since ancient Greek times the name of Zoroaster has stood for mysterious Eastern wisdom. In Hellenistic times many esoteric and magical texts were written using his name (though none of those texts had anything to do with the real Zarathushtra) and Zoroaster was thought of as one of the greatest magicians. Once the Avesta had been brought to the West in the 18th century, his name again became famous in the West - this time not for magic, but for the humanistic, monotheistic, moral philosophy found in the Gathas. Enlightenment philosophers such as Kant and Diderot mentioned him as a model; the playwright Voltaire wrote a play called "Zoroastre." Here was a philosopher from "pagan" antiquity who was monotheistic and moral without any help from the Christian Church! The French composer Rameau wrote an opera called "Zoroastre" and the free-thinking Mozart used a variant of the name for his character Sarastro in "The Magic Flute;" Sarastro is the

priest of the Sun and Light who defeats the Queen of the Night. In the 20th century Nietzsche was inspired by Zarathushtra's example when expounding his philosophy in *THUS SPAKE ZARATHUSHTRA*, though there is no identifiable Zoroastrian teaching in the Nietzsche work. The German composer Richard Strauss, inspired by the Nietzsche work, wrote the tone-poem of the same name, which became famous in the 1960s as the theme for the Stanley Kubrick film 2001 - A SPACE ODYSSEY.

The example of the Prophet is still good today, and anyone who sees his or her own religion overwhelmed by insensitive, exploitative "orthodoxy" can sympathize with this ancient revolutionary whose message is ever fresh and ever new.

You are invited to visit Ms. Shapero's websites here. She uses the "artist name" Pyracantha.

<http://pyracantha.weebly.com>

<http://pyracanthasketch.blogspot.com>

NOTE: A paragraph of the essay has been edited to make it easier to understand with permission from Ms. Shapiro, Chehrehnama is grateful to her for her enlightening essay and the kind permission to edit it.



Hannah M.G. Shapero first encountered Zoroastrians and their religion while studying Greek and Latin at Harvard. Many years later she made friends with a Zoroastrian community near Washington, DC as well as with Parsis and Iranians in California and Chicago, and learned about their faith and history. Ms. Shapero has published articles about the Zoroastrian faith, and has

done many artworks inspired by the ancient religion. Ms. Shapero currently works as an artist and illustrator in the Washington, DC area.

Ask Nahid

Dear Nahid,
What is Religious Solidarity?
~Leila

Dear Leila,

This is a truly valid discussion in today's ever evolving global events. To answer your question, it would be best to look at the definitions of both terms before understanding the concept as a whole.

As defined in the Miriam-Webster dictionary, solidarity is a feeling of unity between people who have the same interests, goals, etc. The idea is that we will unify together with others of same mind and practice. For instance if I like to read detective novels, I will find solidarity among other detective novel enthusiasts. We share a common bond over the genre of literature that interests us. Same with religion. I share a solidifying bond with someone who shares the same religious beliefs as I do.

Now here is the definition of religion according to the Miriam-Webster dictionary: a) the belief in a god or in a group of gods; b) an organized system of beliefs, ceremonies and rules used to worship a god or a group of gods; c) or an interest, a belief or an activity that is very important to a person or group. I want to look at the third definition here, because it encompasses more than just the common grasp of religion. The third definition shows a larger concept of religion - or common principles. Religion is not simply the belief in God, but in a common idea that there is something else out there regardless what you or I may call that something.

For those who are atheists, they have a common belief which would make their non-belief their religion. So does that mean that they are non-religious? No. They have a

different set of religious principles while still having a religion of non-belief in the concept of God. According to that logic, atheists can have religious solidarity amongst themselves. So why can we not share a global solidarity in appreciating that humanity all follow a religion of some sort?



Nahid Dashtaki completed her master's in both Dispute Resolution and Public Policy from Pepperdine University. She has received two Bachelor of Science degrees in International Relations and Comparative Literature from the University of California, Irvine along with extensive international work experience in the Middle East and Asia. She continues her work with mediation and conflict resolutions at Los Angeles World Airports.

When you speak of religious solidarity it would make sense to assume that religious solidarity is when people unify over the same religious beliefs. Christians would unify with other Christians. Muslims would unify with other Muslims. Zoroastrians with other Zoroastrians. The unity and solidarity would join those of the same religious faiths with each other. However, you cannot ignore the unity amongst all religions and interest groups.

Religious solidarity within one religion or belief system can mean that we all get along with each other based on our basic principles and traditions. So why not unify over the fact that we all have a religious belief? I can unify with someone who does not believe in God because I am able to appreciate and respect their unity towards others of that same religion or interest group. I can have religious solidarity with a Christian believer or a Jewish believer because we share the desire to believe in our own religions.

Religious solidarity is not just the unification of those with a system of belief in God. Many main stream religions struggle with their own unity. There are different sects of the same origins which conflict with each other. In these situations, solidarity is not a common goal. They seek to make others weak in focusing on the differences of the religions. When we are finally able to unify in those differences, is when we will gain actual religious solidarity.

It takes a village to host a Z. Olympics

By: Hosi Mehta

It all started in June of 2014. We received an e mail from Bijan Khosraviani, the great grandfather of Zarthushti Sports to inquire if we would be interested in hosting the Z Sports event as they wanted to bring it to the Midwest and East coast. New York, Washington DC and Chicago were the places they were considering.

I was excited about it as we were looking for some way to get young adults to participate in our community and being sports, this would be a great opportunity.

We brought it up to our Board of Directors and discussed the advantages and disadvantages; the only risk was the cost to operate such an event as we were told it would be \$150,000.00 to \$200,000.00.

Once we decided to host the event we were to depend on Behrouz and the sports committee who would guide us as we had never hosted a sports event before.

Our biggest challenge was to find a venue that would have all our sports requirements. Sometimes an ideal location would lack the Olympic size swimming pool or another great university would only have indoor walking tracks. After months of hard work we finally found it.

Z Sports will be held on the picturesque campus of Elmhurst College from June 30 through July 4, 2016. There will be basketball, volleyball, track, swimming, tennis, table tennis and the first day June 30 we will have golf.

Every evening we will have fun filled social events starting with first day June 30 ice breaker games, outdoor barbecue and demonstration game of Ultimate Frisbee. Second night will be dinner and dance at Reza's restaurant, third night will be The Chicago experience, a taste of the foods Chicago is famous for at our Dare Mehr and from there we will visit down town Chicago. The last night we will have The Red Carpet Gala with outdoor appetizer stations, open bar, dinner and dancing.

Our committee spent months looking for and selecting the right venue and negotiated a fair cost to make it reasonable for all to attend. All our committees (sports, registration, entertainment, finance, marketing...) have been working extremely hard to make this the best event you have attended. Sports (besides developing strength) help and teach you life lessons. I can say that from my experience being involved in sports at a very high level.

Besides discipline it teaches one how to handle winning and how to handle losing,

It teaches dedication and hard work, where you put in hours of practice and hard work for days and months and years sometimes for a final performance which gets over in a short time.

It teaches self-confidence and the "I can" attitude which is so important in life skills as we grow.

It teaches quick decision making, strategizing and leadership skills.

It teaches honesty and fair play.

It teaches humility when losing and exuberance when winning and how to handle both extremes.

I cannot stress how important sports have been in molding my character.

Our bodies are a gift from Ahura Mazda, let us use it through sports to strengthen it and attain all the above mentioned benefits and more.



Jim Engineer, Eric Elavia, Porus Dadabhoy, Delnaz Vazifdar, Sharmeen Cavyan, Farida Sharyari, Hosi Mehta, Nilufer Darukhanavala, Zinnia Elavia, Rita Balaporia, Persis Driver.

Leaders Worth Following



Roya Behmardian

was born and raised in Southern California. She has attended CZC's Persian and religious classes all through her childhood. She graduated from UCI with a Masters of Art in teaching.

hundreds of thousands of kids learn to read. And yet, as I sit here imagining who I'd want to follow if I had full control over that decision, I realize that the people I just mentioned above are people I already follow, they are already my leaders—and that was always my choice. In deciding who makes the cut for being someone worth following, I think we each have to take the time to reflect upon what we value, and what is important to us. Perhaps it is because it was constantly repeated to me growing up, or maybe it is because I have been lucky enough to be surrounded by good people, but I value people who actively demonstrate compassion and empathy—those are the qualities I look for in a leader. If you are someone who practices living good thoughts, words, and deeds, then choose a leader that does it better, and realize that no other person, and no election, can take away your ability to follow someone you admire.

Just like it's our fundamental choice to decide whom we want to follow, it is also our choice to decide whether and how we want to lead. If we are honest with ourselves, we'll realize that there's a little bit of leader, and a little bit of follower in all of us—in fact, neither can exist without the other, and that's a pretty profound notion when applied to everything going on in the world. We have the important ability to thoughtfully decide how we want to fit into those roles, and thus it is crucial to try to make decisions that reflect our truest selves and our own values. That way, we will have made decisions worth being proud of.



It's no secret that at this particular moment in history, the question of what makes a good leader is being uttered constantly, and sometimes, even excessively. But if you really sit down and ponder over this concept of "leadership," it won't take long to realize what an incredibly intriguing idea it is. So let's do some pondering.

When I think of well-known leaders like Martin Luther King, Mother Teresa, Steve Jobs, Hitler, and Stalin, I can't help but conclude that there is no one formula for making someone a leader. How can people that seem so altruistic and good, and others that were so totalitarian and evil, all obtain such a vast and devout group of followers? Now of course, large amounts of research have studied the types of "mob mentality" and loyalty to authority phenomena that has occurred in history, but it makes me wonder about how much of an active choice we, as individuals, believe we have when choosing who we want to follow.

At this particular moment, let's imagine that we each have full control over deciding whom to follow. If that were the case, I'll start small and say that there's a number of people in my own circle of family and friends that I consider leaders. I look up to them, and though they are not necessarily famous, their actions and life paths inspire me—and I base many of my own decisions on the advice they give me. On another note, I have been trying to write my own children's book for a long time now, and because of that I think I would choose Dr. Seuss as a relevant leader worth following. This man not only wrote countless entertaining stories, but with rhyme, he made a huge impact on the direction of children's book; he helped

Congratulations!

Post Graduate Degrees

Mobed Maneck Bhujwala
Master's in Interfaith Action
Claremont Lincoln University

Nisa Farhangi
J.D. School of Law
Chapman University

Manijeh Mahmoodzadeh
Master's in Psychology
Claremont University

Jasmin Varjavand
J.D. School of Law
University of California, Berkeley

Post Graduate Admissions

Parisa Bozorgchami
Master's in Geotechnical Engineering
University of California, Los Angeles

Vesta Guiv,
School of Pharmacy
University of California, San Diego

Hilda Kasravi
Master's in Education
University of California, Irvine

Parshan Khosravi
Master's in Public Policy
University of California, Los Angeles

Delaram Salamati
School of Dentistry
University of California, Los Angeles

Bachelor's Degrees

Asha Anoosheh
Computer Science
Electrical Engineering
University of California, Berkeley

Soroosh Abadian Pourmehraban
Business Administration
University of California, Berkeley

Shereen Afshari
Business Administration
Chapman University

Bahara Baghkhani
Psychology and Social Behavior
University of California, Irvine

Aryana Behmardian
Natural Sciences
California State University, Fullerton

Parisa Bozorgchami
Geotechnical Engineering
University of California, Los Angeles

Vesta Goshtasbi
Chemistry
University of California, Berkeley

Vesta Guiv
Human Biology
University of California, San Diego

Hilda Kasravi
Business Economics
Education
University of California, Irvine

Niloofer Mozhghani
Molecular, cell and developmental Biology
University of California, Los Angeles

Farin Yazdani
Psychology
University of California, Los Angeles

Undergraduate Admissions

Vista Farkhondeh
Neuroscience
University of California, Los Angeles

Shideh Ghandeharizadeh
Undeclared
University of Southern California

Leila Jamshidi
Biology
University of California, Riverside

Bitva Kavooosi
International Political Economy
Colorado College

Camreron Nosrat
Human Biology
Stanford University

Tara Ostad
Molecular and cell Biology
University of California, Los Angeles

Omid Partovi
Neuroscience
University of California, Los Angeles

